



دانشجویان و جوانان داوطلب اندیشمک
در روستاهای محروم شهر، به یاری کودکان آمدند

مهربانی آئین ماست ۴

پایگاه «مازو» تنها پایگاه امداد و نجات ریلی کشور

زاگرس روی ریل

امداد افتاد ۶

ایستاده

در برف و کولاک

امدادگران در ۲۲ استان کشور

به مردم گرفتار در برف امداد رسانی کردند ۳

خبر ویژه

سیل‌زدگان تنها نیستند

کمک‌های مردمی از مرز ۴۵ میلیارد تومان گذشت

بنا بر اعلام سازمان داوطلبان، کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان از مرز ۴۵ میلیارد تومان گذشت. از مجموع این ۴۵ میلیارد تومان مشارکت و کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان، ۱۸ میلیارد تومان کمک‌های نقدی و ۲۷ میلیارد تومان کمک‌های غیرنقدی است.

اکنون با مشارکت و کمک داوطلبان و همکاران صف و ستاد جمعیت هلال‌احمر بیش از ۱۱۰۰ تن اقلام امدادی و زیستی به مناطق سیل‌زده جنوب‌شرق ایران از مسیرهای زمین، هوایی و راه‌آهن ارسال شده که اقلام ارسالی از سوی مردم و خیران در قالب جیره‌های غذایی و تغذیه‌ای یک ماهه بسته‌بندی و در مناطق آسیب دیده توزیع شده است.

آن دسته از تشکلهای مردم‌نهاد دارای توانمندی و علاقه‌مند به مشارکت در فرایندهای کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان سیل در مناطق آسیب‌دیده استان سیستان و بلوچستان می‌توانند برای دریافت مجوز جذب و توزیع مشارکت‌های مردمی می‌توانند در ساعات اداری با ارسال درخواست رسمی به همراه شماره حساب، شماره کارت بانکی به نام مؤسسه، تصویر مجوز رسمی دارای اعتبار به سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر با شماره دورنگار ۸۸۹۱۹۱۴۰ و برای کسب تأییدیه وصول با شماره‌های ۸۸۹۱۹۱۳۳ و ۸۸۹۱۹۱۳۴ تماس بگیرند.

مدال قهرمان جهان تقدیم به سردار دل‌ها



سعید نادری، کارمندسازمان جوانان و قهرمان قهرمانان مسابقات پاورلیفتینگ جهان در مراسمی که به مناسبت دهه‌فجر و گرامیداشت یاد و خاطره سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی در جمعیت هلال‌احمر برگزار شد، مدال طلای جهانی سال ۲۰۱۹ خود را طی مراسمی به سردار صلح ودوستی اهدا کرد. نادری در این مراسم گفت: امیدوارم که در سال‌های آینده هم بتوانم دل مردم ایران را شاد کنم و ادامه‌دهنده راه شهید باشم. از مردم عزیز می‌خواهم من و سایر ورزشکاران کشورمان را از دعای خودشان محروم نکنند.

برندگان سومین دوره مسابقه خاطره‌نویسی دادرس



نفرات برتر سومین دوره مسابقات خاطره‌نویسی هفتمین مرحله طرح ملی دادرس، مسابقات آماده و اردوهای دوستی اعلام شد. این مسابقات که با حضور ۵۲۷ نفر از شرکت‌کنندگان با موضوع خاطره در مورد طرح ملی دادرس، مسابقات آماده و اردوهای دوستی در پاییز ۹۸ برگزار شد پس از بررسی و امتیازدهی به شرکت‌کنندگان ۳۱ نفر از اعضای شرکت‌کننده به‌عنوان برترین‌ها انتخاب شدند.

مبینا مهاجر از خراسان جنوبی، سیده‌صبا حسینی از چهارمحال‌و‌بختیاری، پریا محمدی از زنجان، سیده مرتضایی شش‌جوانی، لیلا سلیمیان، فاطمه شماسی‌زاده، مبینا صمدی و نگار نجاتی از اصفهان، فاطمه باقی از سمنان، ریحانه‌احمدوند، مهشید اسدی، الهه علی‌اکبری و نعیمة‌اخباری از البرز، مهرانه سمیر، مریم چوپداری، مهدیه توسلی و زینب وحیدی از خراسان‌رضوی، محسن رفیع‌زاده‌نفتی از یزد، سانیا طهماسبی و ابراهیم خنفری‌پورجعفری از خوزستان نفرات برتر مسابقه خاطره‌نویسی دادرس ۷ شدند.

همه آمده بودند

راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال هم مثل سال‌های قبل با حضور امدادگران و داوطلبان و اعضای هلال‌احمر در تهران و دیگر شهرها برگزار شد. هلال‌احمری‌ها با برپایی غرفه‌های مختلف سلامت و آموزش و همچنین استقرار در پایگاه‌های موقت امدادی حضور خود را در این مراسم به نمایش گذاشتند. در تهران علاوه بر استقرار ۷۲ خودرو امدادی و آماده‌باش ۱۶۱ تیم امداد و نجات، در مسیرهای اصلی راهپیمایی غرفه‌های سلامت هلال‌احمر به چشم می‌خورد. تست قندخون و فشارخون رایگان و ارائه خدمات اولیه سلامت به

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال‌احمر در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن:

ایستادگی غیرتمندانه مردم نعمت بی‌بدیل خداوند است



نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال‌احمر در مسیر راهپیمایی پرشور مردم تهران در ۲۲ بهمن به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران گفت: «حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بسیار ارزشمند است و با هیچ کلمه‌ای قابل وصف نیست.»

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در حاشیه راهپیمایی یوم‌الله ۲۲بهمن، در بازدید از پایگاه‌های امدادی فعال در مسیر راهپیمایی ۲۲ بهمن، در میان مسئولان و امدادگران جمعیت هلال‌احمر حضور پیدا کرد و گفت: «خدماتی که در جشن بزرگ انقلاب به مردم ارائه می‌دهید، نشان‌دهنده حضور همیشگی و باشکوه شما در کنار ملت است.» وی با

اشاره به جشن باشکوه انقلاب اسلامی، گفت: «برگزاری این جشن و حضور همیشگی مردم از برکات انقلاب ونعمت بی‌بدیلی در کشور ما محسوب می‌شود و در هیچ جای دنیا نظیر ندارد. در طول سال‌های گذشته جشن بزرگ انقلاب در هر شرایطی حتی در زیر بمباران دشمن بعثی در جنگ تحمیلی، برگزار شده و نشان از آن دارد که مردم شجاع و غیور با دل و جرئت به میدان وارد شده‌اند.»

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال‌احمر با تأکید بر حماسه‌آفرینی ملت بزرگ ایران تصریح کرد: «مردم شریف ایران از روز آغاز نهضت به رهبری امام خمینی که استوار در برابر تمامی مشکلات ایستاد، تا پیروزی و

دوران جنگ و تا امروز در سایه هدایت‌های مقام معظم رهبری در همه صحنه‌ها حضور داشته و همین پایمردی‌ها باعث اعتلا و اقتدار نظام شده است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با تقدیر از عملکرد مناسب امدادگران جمعیت هلال‌احمر استان تهران در این جشن مردمی گفت: «من به‌عنوان یکی از خدمتگزاران جمعیت از حضور در جمع صمیمانه شما بسیار خرسندم و احساس شادمانی می‌کنم. درواقع امروز به‌عنوان یکی از اعضای جمعیت هلال‌احمر در دریای جمعیت مردم حضور پیدا کرده‌ام و این موضوع برای من باعث افتخار است.»

رئیس سازمان داوطلبان خبر داد

افزایش ۲ برابری فعالیت‌های داوطلبانه در هلال‌احمر



هلال‌احمر در جریان سیل اخیر کشور در استان‌های جنوب‌شرقی، اظهار کرد: تاکنون رقم کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردمی به ۵۲ میلیارد تومان رسیده است که برنامه‌ریزی شده است تا طی پایان ماه جاری برای هزینه کرد جبران خسارت‌های آسیب‌دیدگان اقدام شود. امسال به‌رغم تقلیل بودجه‌های حمایتی سازمان، به واسطه تلاش مضاعف کارکنان و داوطلبان، عملکرد فعالیت‌های داوطلبانه به ۲ برابر سال گذشته افزایش یافته است.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر با تأکید بر اینکه به دلیل تغییرات اقلیمی و حوادث طبیعی، پیش‌بینی شده است که سال آینده نیز، روزهایی پرکاری را پیش رو خواهیم داشت بنابراین برنامه‌ریزی‌های لازم برای مواجهه موفق

صورت گرفته است.

در این مراسم که با حضور حاج حسین یکتا، مسئول جمعیت مردمی امام رضایی‌ها، شاهین فتحی، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان تهران و جمعی از کارکنان آن برگزار شد، به ۶ نفر از برگزیدگان مسابقه کتابخوانی، خاطره‌نویسی و وبلاگ‌نویسی ویژه ایام دهه مبارک فجر با اهدای هدیه‌ای به رسم یادبود تقدیر شد.

پوشش امدادی راهپیمایی ۲۲ بهمن با حضور ۸۲۹ نیروی امدادی و کادر جمعیت هلال‌احمر



مراسم ۹۳۵ نفر از خدمات امدادی جمعیت بهره‌مند شدند. فعالیت‌های هلال‌احمر در راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران از ساعت ۱۷ روز دوشنبه آغاز شد و تا ۲۱ ساعت بعد ادامه پیدا کرد.

تقدیر دبیرکل جمعیت از زنان شاغل در سازمان امداد و نجات در مراسم بزرگداشت پیروزی انقلاب و جشن ولادت حضرت فاطمه(ص)

مسیر انقلاب هر روز پر شکوه‌تر و شکوفاتر طی می‌شود



دکتر محمودرضا پیروی در مراسم چهل‌ویکمین جشن پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و سالروز تولد حضرت فاطمه زهرا(س) در سازمان امداد و نجات گفت: انقلاب اسلامی، ۴۱ سال پس از پیروزی از خطرات و آسیب‌های بسیار عبور کرده و هر روز پرشکوه‌تر و شکوفاتر ادامه می‌یابد. همسالان من به خوبی به یاد دارند که مردم در زمان انقلاب شکوهمند اسلامی از جان، مال و فرزندان خود برای پیروزی انقلاب اسلامی گذشتند و انقلابی به یاد ماندنی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) رقم زدند که حافظ ارزش‌های اسلامی و انسانی است.

وی افزود: در ۴۱ سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، خطرات و بلاهایی در مسیر روشن انقلاب وجود داشته که با رهبری حکیمانه حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) از سر انقلاب گذشت. این مسیر هر روز پرشکوه‌تر و شکوفاتر طی می‌شود.

دبیرکل جمعیت با اشاره به تشییع پیکر سردار دل‌ها شهید سپهبد قاسم سلیمانی توسط مردم، تأکید کرد: مردم در تشییع باشکوه پیکر شهید قاسم سلیمانی نشان دادند که همیشه در صحنه بوده و حامی انقلاب هستند. البته افرادی وجود دارند که در مسیر مستقیم انقلاب اعتقاد قلبی ندارند؛ این افراد به تدریج ریزش می‌کنند.

وی گفت: امیدوارم خداوند به همه توفیق دهد تا در راه احیای ارزش‌ها و مبارزه واقعی با فساد و ریشه‌کن کردن آن در جاهایی که فساد ریشه دوانده، موفق باشند. انجام این کار سخت و دشوار است و در این راه پدخواهان و آسیب‌هایی وجود دارد، اما این، مسیری است که انتخاب کردیم و برای از بین بردن فساد تا آخر خواهیم ماند؛ به همت مردم‌کاری را انجام می‌دهیم که خداوند از ما راضی باشد.

پیروی درباره آمادگی کشور برای مواجهه با کرونا وپروس، گفت: برای مبارزه با ویروس کرونا هم باید آماده‌باشیم و در این زمینه مهم‌ترین اقدام پیشگیری و آموزش است و هلال‌احمر هم برای مبارزه با این ویروس با وزارت بهداشت همکاری می‌کند.

وی از حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال‌احمر که همواره و در همه مراحل حامی ارزش‌ها در هلال‌احمر است، تقدیر و تشکر کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال‌احمر، مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات، معاونان، مدیران و کارکنان جمعیت هلال‌احمر و سازمان امداد و نجات در این جشن حضور داشتند و از زنان شاغل در سازمان امداد و نجات و بازنشستگان این سازمان در سال ۹۸ تقدیر شد.



اینکه در حال حاضر انقلاب با سرعت پیش می‌رود، روزی می‌آید که داوطلبان سایر کشورها، از داوطلبان ایرانی برای انجام کارهای زلال و دانش محور آموزش می‌بینند. باید جنس کار داوطلبی را به کوثر ناب و زلال عنایت و هدایت وصل کرد تا با همکاری هم و عنایات ائمه معصومین(ع) بتوان از دوران سختی به سلامت عبور کرد.

ایستاده در برف و کولاک

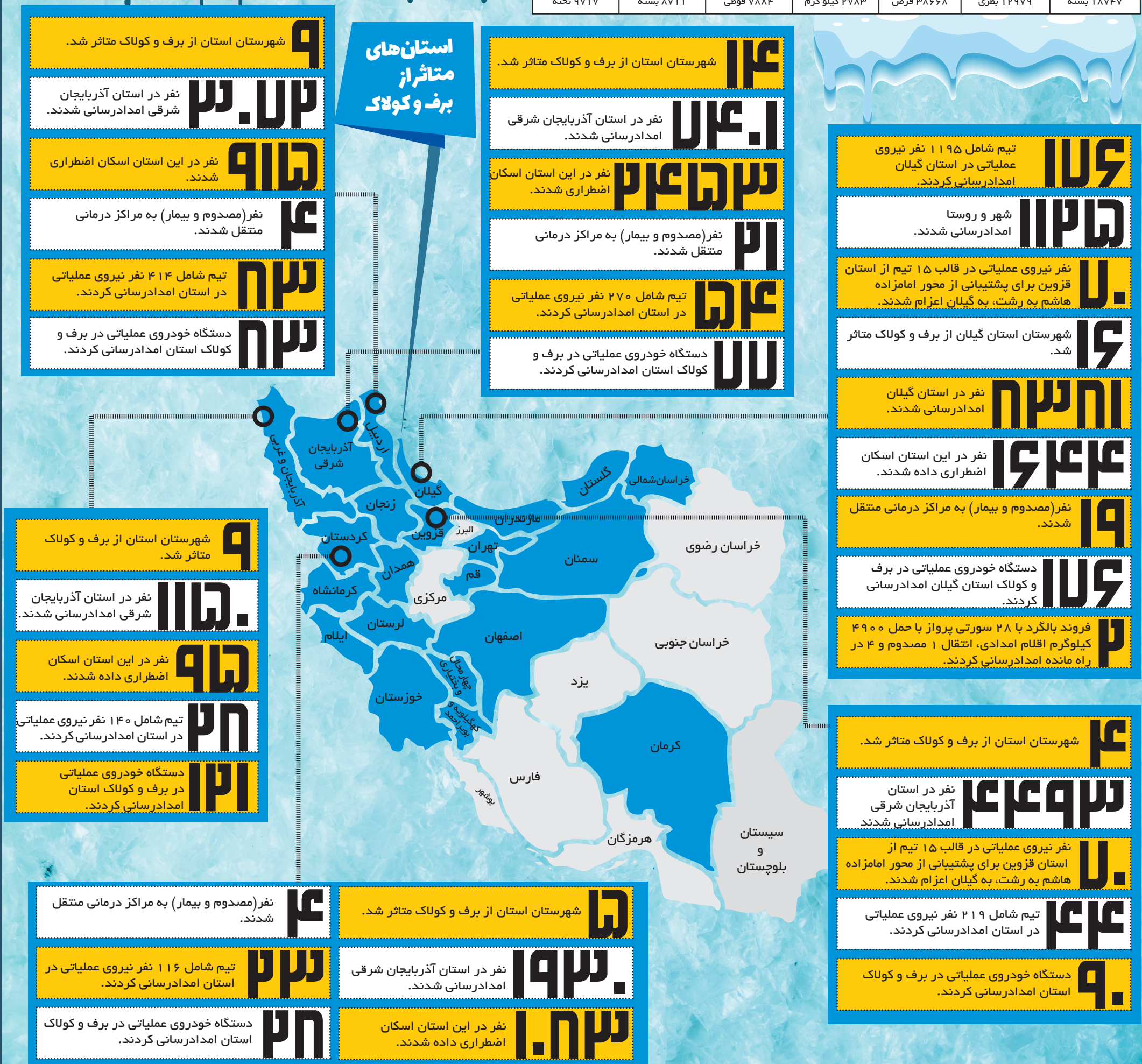
امدادگران در ۲۲ استان کشور به مردم گرفتار در برف امدادرسانی کردند

در آخرین روزهای بهمن‌ماه، برف و کولاک جاده‌های ۲۲ استان کشور را تسخیر کرد. در گیلان علاوه بر مسدود شدن محورهای اصلی، تردد در راه‌های فرعی روستاها و شهرها هم مختل شد. برف، دامن سفیدش را بر روستاها و شهرهای این استان پهن کرد و با قطع شدن چند روزه آب و برق در برخی مناطق این استان، در جریان زندگی گیلانی‌ها هم اختلال جدی ایجاد شد. با وجود گستردگی مناطق متأثر از برف و کولاک در استان‌های مختلف کشور، امدادگران و نجاتگران دلاور همچون مثل همیشه پای کار بودند تا خطرات ناشی از ماندن در برف و کولاک، از مسافران جاده‌ها و ساکنان مناطق متأثر دور شود. در ادامه گزارش اقدامات جمعیت را در برف و کولاک از تاریخ ۱۹ تا ۲۵ بهمن می‌خوانید.



اقدام امدادی توزیع شده:

پتو	بسته غذایی	کنسروجات	خرما	نان	آب معدنی	بیسکویت
						
۹۷۱۷ تخته	۸۷۱۱ بسته	۷۸۸۴ قوطی	۲۷۸۳ کیلو گرم	۳۸۶۶۸ قرص	۱۲۹۷۹ بطری	۱۸۷۴۷ بسته



دانشجویان و جوانان داوطلب اندیمشک
در روستاهای محروم شهر به یاری کودکان آمدند

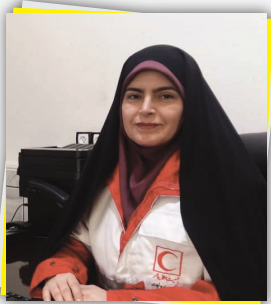
مهربانی آئین ماست



هر روز را با یک فکر و ایده تازه برای کمک به دانش‌آموزان و اهالی محروم روستاهای شهر شروع می‌کنند. گاهی تمام هم و غم‌شان می‌شود ساخت کتابخانه در روستاهای محروم و آشنا کردن بچه‌های روستا با کتاب قصه و گاهی هم با فرا رسیدن روزهای سرد زمستان، برای بچه‌های روستا لباس گرم تهیه می‌کنند. دانشجویان داوطلب کانون‌های دانشجویی اندیمشک، راهی روستاهای «ده ایچی»، «تاک آب» و «شهرک دوکوه» شدند تا علاوه بر اجرای طرح «آئین مهربانی» و توزیع لباس گرم میان بچه‌های روستا، با روش‌های پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا، آموزش زبان انگلیسی، توزیع کتاب قصه میان دانش‌آموزان روستا و... یک روز شاد برای بچه‌های روستا رقم بزنند. در این گزارش با جمعی از دانشجویان داوطلب کانون‌های دانشجویی اندیمشک همراه شدیم.

گپی با رئیس جمعیت هلال‌احمر اندیمشک

برای مناطق حاشیه شهر برنامه داریم



اجرای طرح آئین مهربانی با همراهی و مشارکت کانون‌های مختلف هلال‌احمر اندیمشک، شور و حال بیشتری پیدا کرد. با برنامه ریزی‌های مسئولان جمعیت هلال‌احمر این شهر، کانون‌های دانشجویی، شاخه آزاد جوانان و اعضای کانون‌های روستایی نیز پای کار آمدند تا خانواده‌های محروم بیشتری از خدمات داوطلبان و جوانان دلسوزی جمعیت بهره‌مند شوند. «زهره بهاروندی» رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان اندیمشک درباره مشارکت کانون‌های مختلف در اجرای طرح آئین مهربانی می‌گوید: «این طرح استانی معمولاً با مشارکت یک کانون اجرا می‌شود اما در اندیمشک با توجه به شمار روستاها و مناطق محرومی که شناسایی کرده بودیم، تصمیم گرفتیم از ظرفیت دیگر کانون‌ها نیز برای اجرای این طرح استفاده کنیم. هر کدام از کانون‌های دانشجویی، اعضای شاخه آزاد جوانان و کانون‌های روستایی را مسئول یک بخش از اندیمشک کردیم. در واقع اندیمشک را به بخش مرکزی که شامل مناطق شهری و شهرک‌های اطراف می‌شود و نیز بخش الوار گرمسیری که شامل روستاهای اندیمشک است تقسیم کردیم تا با این روش همه مناطق محروم پوشش شهرستان پوشش داده شود.» بهاروندی از خدمات ابتکاری اعضای کانون‌های دانشجویی و جوانان اندیمشک در قالب طرح آئین مهربانی می‌گوید: «علاوه بر توزیع اقلام مواد غذایی و پوشاک گرم در مناطق محروم، هر کدام از کانون‌ها با توجه به ظرفیت، مهارت و توانایی اعضای خود، خدمات متنوع و ابتکاری در مناطق محروم ارائه کنند. به عنوان مثال گروهی از اعضا، آموزش زبان انگلیسی، راه اندازی کتابخانه و... را در مناطق محروم در دستور کار قرار دادند و همچنین با توجه به مسائل روز، آموزش پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا را هم به عنوان یک طرح ابتکاری در روستاهای محروم اجرا کردیم.» رئیس جمعیت اندیمشک، ادامه اجرای این طرح در دیگر نقاط محروم شهر خبر می‌دهد: «برای مناطق حاشیه‌ای شهر هم برنامه داریم. این طرح در مناطق حاشیه‌ای شهر مانند کوی بهارستان و منطقه حضرت ولیعصر (عج) نیز اجرا می‌شود. همچنین در طرح آئین مهربانی در حوزه محیط زیست هم دغدغه داریم. با کمک یکی از سمن‌ها، ترویج درختکاری و کاشت نهال در برخی مناطق تعیین شده از اندیمشک را هم در برنامه‌های قرار داده‌ایم.»

قصه آن یک جفت کفش صورتی



حوالی ظهر وقتی آفتاب کم‌رمق زمستان، زمین‌های کشاورزی اطراف روستا را به رنگ طلایی درآورده با گذر از جاده خاکی پیش‌رو به روستای «ده ایچی» از توابع بخش مرکزی شهرستان اندیمشک می‌رسیم. برای رسیدن به دبستان روستا از مقابل خانه‌های یک طبقه با نمای بلوکی و آجری که انگار به یکدیگر تکیه کرده‌اند می‌گذریم. دانش‌آموزان قد و نیم قد مدرسه که از چند روز پیش برای استقبال از دانشجویان و جوانان هلالی شوق و ذوق داشتند، با دیدن خودروهای هلال‌احمر به سمت اعضای گروه می‌دوند. علاوه بر جوانان و دانشجویان کانون دانشجویی علمی و کاربری اندیمشک، چند نفری از امدادگران و داوطلبان شهر هم برای اجرای طرح «آئین مهربانی» همراه شده‌اند. بسته‌ها و اقلام اهدایی اما با کمک دانش‌آموزانی که با دست‌های کوچک‌شان پای کارآمده‌اند، تا ساختمان مدرسه حمل می‌شود. طولی نمی‌کشد که چادرهای ایستگاه سلامت و مشاوره خانواده در گوشه حیاط برپا شده و همه چیز برای اجرای برنامه مهیا می‌شود. روستای ده ایچی، تنها ۲۵۶ نفر جمعیت دارد. امروز اما علاوه بر دانش‌آموزان، والدین آنها و دیگر اهالی روستا هم به دبستان ده ایچی آمده‌اند تا انگار همه اهالی ده ایچی از جوانان هلالی میزبانی کنند. اولین چادر که برپا می‌شود، «مهندس کشوری» و «سید ابراهیم موسویان» و دیگر اعضای کانون دانشجویی برای اهدای لباس گرم به خانواده‌های محروم روستا قدم پیش می‌گذارند. کشوری، نایب دبیر کانون دانشجویی علمی کاربردی اندیمشک، شال و کلاه و یک دست لباس گرم را به یکی از بچه‌های روستا می‌دهد و می‌گوید: «با کمک دهیاری روستای ده ایچی، ۱۵ خانوار محروم روستا را شناسایی و با کمک جمعیت برایشان لباس گرم تهیه کردیم. اما از آنجایی که باخبر شدیم بچه‌های بیشتری نیاز به لباس گرم دارند، با کمک دیگر دانشجویان میبانی برای تهیه لباس‌های بیشتر تأمین شد.» هنوز حرف‌های کشوری تمام نشده که نگاه خیره دخترک زیبایی روستایی به بسته‌های اهدایی، توجهش را جلب می‌کند. کفش‌های دخترک پاره‌اند اما با وجود اینکه دلش پیش آن یک جفت کفش صورتی گیر کرده، حرفی نمی‌زند. شال و کلاهش را گرفته و می‌خواهد نوشتش را به دیگری بدهد. کشوری اما حرف دل دخترک را می‌خواند و کفش‌های صورتی را به او هدیه می‌دهد. حال دخترک زیبایی روستا قابل وصف نیست. او از همین حالا منتظر شب عید است تا آن کفش‌های صورتی را به پا کند.

آموزش پیشگیری از کرونا در تاک‌آب



دانشجویان و جوانان هلالی اندیمشک، برای دیگر روستاهای محروم شهرستان هم برنامه دارند. یک روز پس از حضور دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی در روستای ده ایچی، اعضای کانون دانشجویی دانشگاه پیام‌نور راهی روستای کوچک «تاک‌آب» در ۹۰ کیلومتری اندیمشک می‌شوند. روستایی با ۵۰ خانوار جمعیت که ساکنانش با دامداری سنتی روزگار می‌گذارند. امروز برخلاف همیشه مدرسه راهنمایی شهید صدوقی تاک‌آب، فقط میزبان دانش‌آموزان روستا نیست؛ همه اهالی روستا از کودک، پیر و جوان در حیاط مدرسه گرد هم آمده‌اند. «رویا هیکی زاده» دبیر کانون دانشجویی پیام‌نور و دیگر اعضای این کانون، پیش از هر چیز، شال، کلاه و انواع لباس گرم را میان خانوارهای نیازمند روستا توزیع می‌کنند. برنامه امروز اما با چند طرح ابتکاری از سوی دانشجویان پیام‌نور همراه است. در گوشه‌ای از حیاط مدرسه، چادر مخصوصی برپا شده و یکی از دانشجویان داوطلب مشغول آگاهی‌بخشی و آموزش نحوه پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا است. هیکی‌زاده می‌گوید: «این روزها که خطر ابتلا به ویروس کرونا باعث شده اهمیت رعایت موارد بهداشتی بیش از پیش احساس شود، تصمیم گرفتیم یک کلاس آموزشی ویژه برای اهالی تاک‌آب برگزار کنیم.» هیکی زاده کلاس آموزشی‌اش را با توضیح درباره نشانه‌های ابتلا به کرونا آغاز می‌کند و پس از آن نکات بهداشتی پیشگیری از ابتلا به کرونا را به اهالی روستا آموزش می‌دهد. در پایان کلاس هم ماسک‌هایی که توسط هلال‌احمر تهیه شده میان اهالی تاک‌آب توزیع می‌شود. در گوشه دیگر حیاط، صدای دانش‌آموزانی که مشغول تمرین زبان انگلیسی هستند به گوش می‌رسد. اما آموزش زبان انگلیسی به بچه‌های روستا دلیل جالبی دارد. یکی از اهالی روستا می‌گوید: «در نزدیکی روستای ما چند اثر تاریخی و مکان گردشگری قرار گرفته و هر سال گردشگران خارجی زیادی از حوالی روستای ما می‌گذرند. اگر بچه‌ها بتوانند با گردشگران ارتباط برقرار کنند، بیشتر شاهد حضور گردشگران در روستا و فروش صنایع دستی و... هستیم.» سراغ یکی از مربیان زبان انگلیسی می‌رویم. «سمیه چگیتی» دانشجوی رشته روانشناسی است اما به دلیل آشنایی با زبان انگلیسی، این مسئولیت را به عهده گرفته‌است. او می‌گوید: «با توجه به نزدیکی روستای تاک‌آب به مناطق گردشگری و احتمال رفت و آمد گردشگران خارجی به این روستا، لازم بود بچه‌های تاک‌آب با مکالمات ساده زبان انگلیسی آشنا شوند. امروز علاوه بر آموزش معمول مکالمه، تلاش کردیم با نقاشی و شعرخوانی بچه‌ها را با زبان آشنا کنیم.»

شادی راه‌اندازی اولین کتابخانه



آئین مهربانی جوانان داوطلب اندیمشک همچنان ادامه دارد. این بار نوبت به اعضای شاخه آزاد جوانان می‌رسد تا مهربانی را با اهالی شهرک «دوکوه» از توابع بخش مرکزی شهرستان اندیمشک قسمت کنند. همراه با خودروهای هلال که بسته‌های پراز لباس گرم، لوازم تحریر، کتاب قصه و بسته‌های غذایی برای بچه‌های دوکوه هدیه می‌برند به این شهرک حومه شهر می‌رسیم؛ شهرکی مسکونی با بیش از ۳۰۰ خانوار جمعیت که در ۲۰ کیلومتری اندیمشک قرار دارد. با ورود به شهرک، اعضای گروه در دو مدرسه امام سجاد(ع) و شهدای دوکوه مستقر می‌شوند. اهالی شهرک در هر دو مدرسه گرد هم آمده‌اند تا یک روز شاد و پربرکت را در کنار جوانان داوطلب تجربه کنند. دانش‌آموزان مدرسه امام سجاد(ع) هم با شوق فراوان برای برپا کردن چادرها با جوانان داوطلب همراه می‌شوند تا برنامه هرچه زودتر شروع شود. در کنار چادر ایستگاه سلامت که از مراجع کنندگان تست قندخون و فشارخون می‌گیرد، چادر ویژه مادران باردار هم برای اهالی شهرک در نظر گرفته شده است. در این بخش با حضور یک متخصص مامایی، معاینات دوران بارداری با مراجعه مادران باردار انجام می‌شود. صدای خنده و شادی دانش‌آموزان اما از پنجره باز کلاس در حیاط مدرسه می‌پیچد. از مقابل چادر آموزش پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا می‌گذریم و در کلاس انتهایی راهرو به دانش‌آموزانی که برای راه‌اندازی کتابخانه مدرسه دور هم جمع شده‌اند ملحق می‌شویم. «عاطفه گلچین» نایب دبیر شاخه آزاد جوانان اندیمشک می‌گوید: «چند روز قبل وقتی به دانش‌آموزان اعلام کردیم می‌خواهیم برای مدرسه‌شان کتابخانه بسازیم، آنقدر هیجان‌زده شدند که فهرستی از کتاب‌های درخواستی به ما سفارش دادند. امروز که با همکاری خود آنها کتابخانه راه‌اندازی شده و قفسه‌ها هم با کتاب‌های قصه، آموزش کمک‌های اولیه و... پر شده از شادی در پوست خودشان نمی‌گنجند.» جوانان داوطلب اندیمشک برنامه دیگری هم دارند. آنها هم‌زمان با اجرای برنامه در دو مدرسه شهرک، مهمان خانه نیازمندان می‌شوند. بسته‌های مواد غذایی و لباس گرم با دست مهربان آنها خانه به خانه میان نیازمندان شهرک توزیع می‌شود.

هدیه ماندگار عموهالالی‌ها

با توزیع پوشاک، بازار بازی و سرگرمی در حیاط مدرسه گرم می‌شود. در گوشه حیاط، گروهی از دانشجویان با بچه‌های روستا یک مسابقه داغ فوتبال را شروع کرده‌اند و آن گوشه حیاط هم زیر دیوار سیمانی مدرسه، مسابقه جذاب دیگری شروع شده‌است. «پروانه افشار» و «گلنوش رشنو» کافذهای رنگی را که از چند روز پیش برای بچه‌های مدرسه آماده کرده‌اند روی زمین پهن می‌کنند. بچه‌ها در گروه‌های سه نفره دور هم می‌نشینند تا مسابقه ساخت کاردهستی با کافذهای رنگی شروع شود. رشنو، عضو کانون دانشجویی علمی کاربردی اندیمشک است. او می‌گوید: «چند روز گذشته را برای برگزاری یک مسابقه شاد برای

یک جعبه پر از کتاب قصه را با خودش به کلاس درس می‌برد. بچه‌ها پشت نیمکت چوبی مدرسه نشستند و بوی گچ تحریر هم حال و هوای مدارس قدیمی را زنده کرده‌است. موسویان به بچه‌های کلاس کتاب قصه هدیه می‌دهد و این میان یکی از دانش‌آموزان هم برای خواندن کتاب داوطلب می‌شود. با «رضا» دانش‌آموز مقطع دبستان پس از خواندن کتاب برای بچه‌های کلاس هم کلام می‌شویم. او می‌گوید: «من کتاب قصه را خیلی دوست دارم. به بچه‌ها گفته‌ام که هر وقت کتاب خودشان را تمام کردند آن را به من قرض بدهند تا بتوانم همه کتاب قصه‌هایی که عموهالالی‌ها هدیه آورده‌اند بخوانم.»



به‌گرفته حادثه نزدیک می‌شوید!

شهرستان خلخال یکی از برف‌گیرترین مناطق عملیاتی امداد جاده‌ای



پایگاه امداد و نجات هلال احمر گردنه الماس در ۲۲ کیلومتری شهرستان خلخال یکی از فعال‌ترین پایگاه‌ها در حوزه امدادرسانی به مسافران در تمام روزهای سال است. از جست‌وجو برای مفقودان کوهستان گرفته تا نجات مصدومان خودروهایی که به دره‌ها سقوط کرده‌اند و اسکان و پذیرایی از مسافرانی که به علت وزش بادهای شدید و نبود دید کافی در راه مانده‌اند. زمستان‌ها این پایگاه قصه دیگری دارد؛ جاده به دلیل بارش سنگین برف مسدود می‌شود و امدادرسانی به در راه مانده‌ها و همچنین مردم روستاهای حوالی گردنه که در برف محاصره شده‌اند آغاز می‌شود. گروهی از امدادگران پایین گردنه هشدارهای لازم را به راننده‌ها می‌دهند و در بستن زنجیر چرخ به آن‌ها کمک می‌کنند. در روزهای پر بارش وقتی خودروها در بالای گردنه زمین گیر شده‌اند مردم روستایی هم به کمک امدادگران می‌شتابند و چند ساعتی مسافران در راه مانده را در خانه خود اسکان می‌دهند. با بارش اولین برف پاییزی امداد و نجات در این جاده شکل و شمایل زمستانه به خود می‌گیرد و تا اوایل اردیبهشت و جاری شدن آب از کوه‌ها این روند ادامه دارد.

برای عملیات‌های سخت آموزش دیده‌ایم



بارش اولین برف پاییزی در گردنه الماس عملیات امداد و نجات زمستانه را آغاز می‌کند و در ماه‌های دی و بهمن به اوج خود می‌رسد. بادهای شدید منطقه و کم عرض بودن جاده باعث شده تا حوادث جاده‌ایی و کوهستانی زیادی در این منطقه رقم بخورد. «صادق سلیمی» عضو تیم واکنش سریع

امداد و نجات پایگاه گردنه الماس می‌گوید: «پایگاه گردنه الماس یک پایگاه امداد و نجات جاده‌ای است اما بیشتر حوادث و عملیات‌های امداد و نجات ما در کوهستان رخ می‌دهد. کوه‌های عجم خلخال و کوه آق داغ منطقه خلخال یکی از پرخطرترین و حادثه‌خیزترین کوهستان‌های کشور است و حوادث مختلفی در آن اتفاق می‌افتد. کوهنوردانی که به صورت انفرادی در مسیر قدم برمی‌دارند اغلب به دلیل بکر بودن منطقه و آشنا نبودن با آن بیشتر در معرض حوادث قرار می‌گیرند. زمانی که در ارتفاعات کوهستان کسی دچار حادثه می‌شود، هیچ گونه امکانات و تجهیزات لازم برای رسیدن به فرد آسیب دیده وجود ندارد. تیم‌های واکنش سریع برای این عملیات‌ها، تمرینات و آموزش‌های لازم را می‌بینند و واکنش‌های سریعتی نسبت به بقیه اعضا دارند.» امداد و نجات به کوهنوردان به صورت اعزام تیم عملیاتی بعد از اطلاع از موقعیتی که از سمت مرکز عملیات اضطراری استان به پایگاه آغاز می‌شود. شناخت کافی از منطقه قبل از حرکت، اطلاع دادن مکان و مقصد کوهنوردی به خانواده و همراه داشتن تجهیزات کوهنوردی، همراه داشتن مسیریاب و مکان یاب، پوشاک و جیره غذایی از توصیه‌های امدادگران پایگاه گردنه الماس به کوهنوردان زمستانی است. سلیمی می‌گوید: «در بحث امداد و نجات اولویت اول حفظ جان خودمان و ایمن سازی محل عملیات می‌باشد و بعد مصدومین را براساس وضعیت جسمی‌شان بررسی می‌کنیم و به آنها رسیدگی‌های لازم را انجام می‌دهیم.» اغلب تصادفات جاده‌ایی در دو محور خلخال به پونل و اسالم به خلخال اتفاق می‌افتد. در این دومحور جاده کم عرض می‌شود و راه برای عبور تنها یک خودرو باقی می‌ماند. به دلیل وجود کوه‌های اطراف و مه‌آلود بودن مسیر، رانندگان دید کافی ندارند. سال ۹۴ بود که در یکی از عملیات‌ها یک دستگاه خودرو نیسان با موتور سیکلت برخورد کرده بود و سرنشینان موتورسیکلت دچار حادثه شده بودند. یک فوتی و یک مصدوم با حال وخیم داشتیم. در طول مسیر انتقال مصدوم به بیمارستان همراه با همکارم چندین بار احیا قلبی انجام دادیم و توانستیم مصدوم را از مرگ حتمی نجات دهیم.» در هر شیفت کاری ۵ امدادگر فعالیت می‌کنند. وسعت برخی از عملیات‌ها بالا است و برای سرعت بخشیدن به عملیات برخی از امدادگران ساعتی بیشتر در پایگاه می‌مانند.

پایگاه امداد و نجات گردنه الماس تجهیزات ندارد



محور خلخال به اسالم یکی از محورهای مواصلاتی بین دو استان اردبیل و گیلان است و به خاطر طبیعت زیبا و بکر منطقه یکی از پر رفت‌وآمدترین جاده‌های شمال کشور به خصوص در فصل بهار و تابستان است. گردنه الماس با ارتفاع ۲ هزار و ۳۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد یکی از گردنه‌های

برف و کولاک‌گیر کشور است که به واسطه وزش بادهایی با سرعت بیش از ۱۰۰ کیلومتر در ساعت حتی در مواقع صاف بودن آسمان و قطع بارش‌های برف و بروز کولاک‌های شدید، برف همراه یخبندان سطح جاده و محدودیت دید مشکلاتی را برای رانندگان ایجاد می‌کند. امدادرسانی در این منطقه و نبود تجهیزات کافی یکی از چالش‌های امدادگران پایگاه گردنه الماس است. «پرویز رئوفی» نجاتگر پایگاه امداد و نجات گردنه الماس می‌گوید: «تجهیزات عملیاتی ما شامل ست هیدرولیک و پنوماتیک است که داخل خودرو تعبیه شده و متأسفانه از نوع لوکاس و قدیمی است. به خاطر کولاک و مه شدید بیشتر شاهد سقوط خودروها به دره هستیم و امکان استفاده از خودرو ست نیست و از دستگاه ست کامپیوتز استفاده می‌کنیم که بسیار سنگین است. برای امدادرسانی بهتر نیاز به وسایل جدید و بروزتری داریم.» پایگاه گردنه الماس که از سال ۸۴ فعالیت خود را آغاز کرده است و ساختمان مستقل برای خود ندارد، چند سالی می‌شود که مهمان راهدارخانه راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گردنه الماس است. رئوفی می‌گوید: «ساخت ساختمان جدید پایگاه گردنه الماس چند سالی می‌شود که آغاز شده است و تا سال آینده تکمیل می‌شود. فضای محدودی برای اختصاص تجهیزات و اسکان مسافران داریم. سیستم گرمایشی ما در راهداری، نفتی است که یکی از عوامل ابتلای اعضا به بیماریهای ریوی و تنفسی است. آب شرب مناسب و تمیز در اختیار نداریم. بعد از یک عملیات سخت و طاقت‌فرسا نیاز به استراحت و گرما داریم که به خاطر فضای محدود راهداری امکان‌پذیر نیست.» ساختمان جدید پایگاه امداد و نجات گردنه الماس در دو طبقه مجزا و در مساحت ۸۸۰ مترمربع از سال ۹۵ آغاز شده است و فضای کافی برای اسکان مسافران و استراحت اعضا تیم تعبیه شده است. نبود امکانات و تجهیزات فردی یکی دیگر از معضلات و مشکلات امدادگران گردنه الماس است که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. «لباس‌های اعضا مناسب شرایط کوهستان و برف و کولاک نیست. جنس لباس‌ها از کامپوزیت است که گرمای زیادی ندارد و بیشتر مناسب آب و هوای معتدل است. بسیاری از هم‌تیمی‌هایم دچار بیماریهای کلیوی شده‌اند که از پس هزینه‌های سنگین درمان برنمی‌آییم.»

نجات ۴۲۳ نفر در یک روز



تیم امداد و نجات پایگاه گردنه الماس، امسال روزهای سخت و پرکاری را پشت سر گذاشته است و تنها در یک روز به ۴۲۳ نفر امدادرسانی کرده‌اند و در همین عملیات دونفر از امدادگران دچار حادثه شده و راهی بیمارستان شدند. «مونس زارعی»

راننده ست داوطلب نجات پایگاه امداد و نجات گردنه الماس می‌گوید: «به خاطر شرایط جوی این منطقه و ارتفاع بالای آن از سطح دریا در اغلب روزهای سسال شاهد برف و کولاک هستیم و حتی در گرم‌ترین روزهای سال هم بادهای شدید از جنوب می‌وزد. یک بهمن امسال با تماس از مرکز و اعلام تصادف راهی محل حادثه شدیم. به علت وزش باد شدید و لغزندگی جاده حدود ۱۲۰ ماشین با یکدیگر برخورد کرده بودند. عملیات از ساعت ۱۲ ظهر آغاز شد و تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. با غروب خورشید و سرد شدن هوا، بر شدت باد افزوده می‌شد و کولاک شدیدتر. شرایط سختی بود و باد با سرعتی بیشتر از ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت می‌وزید و دانه‌های برف را به اطراف پخش می‌کرد. لباس‌های ما تاب و توان سرمای گردنه الماس را ندارد و مناسب این منطقه کوهستانی نیست. سرما تا مغز استخوانمان رخنه کرده بود و بعد از آن حادثه دو هفته در بستر بیماری افتادم.» جاده خلخال به اسالم علیرغم زیبایی‌های محصورکننده و ظاهرآرامش، جاده‌ایی پر خطر در تمام فصول سال است و رانندگانی که به جاده و پیچ و خم‌های آن آشنایی ندارند گاه به دره‌ها سقوط می‌کنند. حوادث در تابستان این منطقه با حوادث زمستان بسیار متفاوت است. عملیات امداد و نجات در این پایگاه محدود به مسافران و خودروها نیست. گردنه الماس و کوه‌های «زنאו» یکی از صعب‌العبورترین کوهستان‌های کشور است و به خاطر شرایط جوی آن منطقه، ییلاقات اهالی شهرستان تلاش است. گاهی کوهنوردانی که برای تفریح به این منطقه می‌آیند نیز دچار حوادث مختلفی می‌شوند. «واخر آذر ۹۱ بود که با اعلام مفقودی یکی از اهالی روستای «خوجین» در غالب تیم چهار نفره راهی کوه‌های زنאו شدیم. و از دو مسیر مختلف به جست‌وجو پرداختیم. برای عبور از مسیر دره به سمت کوه‌ها باید از رودخانه مملو از یخ می‌گذشتیم. مصدوم را که از ناحیه لگن دچار شکستگی شده بود یافتیم و به بیمارستان انتقال دادیم.» اینها را زارعی می‌گوید. او که ۱۲ سال است عضو پایگاه امداد و نجات جاده اسالم به خلخال است و تمام هم و غم خود را در راه امدادرسانی گذاشته است.



امداد زمستانه در جاده اسالم به خلخال از پاییز شروع می‌شود

وقتی حوادث عمق بیشتری پیدا می‌کنند

بی‌نظیر و مشاهده کوه‌ها و جنگل‌های پوشیده از برف راهی جاده می‌شوند. بیشتر آنها بدون تجهیزات زمستانی وارد این جاده می‌شوند و دچار حادثه می‌شوند.» بیشترین حوادث امسال مختص تصادفات جاده‌ای و سقوط خودرو به دره‌ها می‌باشد که اغلب به دلیل عدم دید کافی راننده و لغزندگی جاده و همراه نداشتن زنجیر چرخ اتفاق می‌افتد. عملیات امداد و نجات پایگاه گردنه الماس مختص جاده نیست گاهی کوهنوردانی که برای تفریح و لذت بردن از طبیعت بکر منطقه راهی کوه‌ها اطراف می‌شوند نیز دچار حوادثی می‌شوند. کولاک شدید و مسیرهای دشوار منطقه امدادرسانی به کوهنوردان را با چالش‌های فراوانی روبرو می‌کند و نیازمند تلاش‌های شبانه‌روزی امدادگران پایگاه گردنه الماس است. علیرزاده می‌گوید: «امدادرسانی سریع در کوهستان‌ها و جاده‌هایی چون خلخال اسالم موضوع بسیار حیاتی است. هر لحظه غفلت مساوی با از دست دادن جان یک انسان است. در بسیاری از موارد که کسی از مسیر صعود فرد آسیب دیده خبر نداشته باشد از طریق استعلام موبایلی توانسته‌ایم فرد مورد نظر را پیاده کنیم و جان او را نجات دهیم. در برخی موارد عملیات امداد و نجات به خاطر حفظ سلامتی و ایمنی امدادگرها و تاریکی هوا و با تثبیت شرایط مصدوم، متوقف شده و روز بعد دوباره ادامه یافته است.» جاده خلخال به اسالم حدود ۷۰ کیلومتر است که زیر نظر حوزه استحقاظی دو استان اردبیل و گیلان و دارای دو پایگاه امداد و نجات قرار دارد.





پایگاه «مازو» تنها پایگاه امداد و نجات‌ریلی کشور

زاگرس روی ریل امدادافتاد

سفر با قطار یکی از امن‌ترین راه‌های ارتباطی برون‌شهری و درون‌شهری است اما اگر پای ریل‌های قدیمی و فرسوده، مسیر کوهستانی و صعب‌العبور بودن آن در میان باشد، قضیه فرق می‌کند. آنهم برای مسافرانی که تنها راه ارتباطیشان را شهرستان‌های اطراف از طریق خطوط ریلی امکان پذیر است. خطوط ریلی زاگرس یکی از پررفت و آمدترین خطوط ریلی کشور است که از جنگ جهانی دوم در میان رشته کوه‌های زاگرس به یادگار مانده است. برخلاف ظاهر آرام کوهستان و حرکت یکنواخت قطارها حوادث تلخ زیادی در این شاهراه خطوط ریلی اتفاق می‌افتد. دو سال است که مسافران راه‌آهن زاگرس با دیدن پرچم سرخ و سفید پایگاه امداد و نجات ریلی «مازو» از بخش گرمسیری الوار شهرستان اندیمشک با خیالی آسوده در این خطوط تردد می‌کنند. پایگاه امداد و نجات ریلی ایستگاه «مازو» اولین پایگاه امداد و نجات ریلی کشور است.

خوزستان طلایه‌دار تاسیس پایگاه‌های

امداد و نجات ریلی

قطار، محبوب‌ترین

وسیله نقلیه اندیمشک



عملیات امداد و نجات ریلی در مسیر کوهستانی با پیچیدگی‌های زیادی روبرو است. از حوادث طبیعی مثل ریزش کوه‌ها و مسدود شدن تونل‌ها و سیل گرفته تا خارج شدن قطار از ریل و واژگونی آن. نمی‌توان برای همه آنها نسخه یکسانی پیچید. وجود تونل‌های پی در پی و نبود مکانی برای فرود آمدن بالگرد و مسافت‌های طولانی از دیگر گزینه‌های است که این عملیات‌ها را پیچیده می‌کند. منطقه «مازو» در محدوده راه‌آهن زاگرس یکی از حادثه‌خیزترین قسمت‌های خطوط راه‌آهن زاگرس خوزستان است. «علی خدادادی» مدیر عامل هلال‌احمر خوزستان می‌گوید: «سفر با قطار یکی از امن‌ترین راه‌های مسافرت است اما وقتی قطارها در مسیرهای کوهستانی و صعب‌العبور حرکت می‌کنند قضیه کمی فرق می‌کند و ممکن است دچار حوادث غیرقابل کنترل طبیعی شوند. ریزش کوه در مسیر ریل‌ها، بارش فراوان در منطقه و جاری شدن سیل، پرتگاه‌ها و گردنه‌های صعب‌العبور از عوامل بروز حادثه در مسیرهای ریلی است. شاید تعداد عملیات امداد و نجات در این مناطق کم باشد اما عملیات‌ها از عمق بیشتری برخوردار است و نیاز به تجهیزات تخصصی بیشتری دارد. از همان سالیهای ابتدایی راه‌اندازی و ساخت راه‌آهن در منطقه گرمسیری الوار، بیشتر اهالی روستاهای اطراف به خاطر دسترسی آسان و کم هزینه بودن بلیط‌های قطار از راه‌آهن زاگرس برای تردد استفاده می‌کردند و این راه‌آهن را به پر رفت و آمدترین خطوط ریلی کشور تبدیل کرده‌اند.» عدم دسترسی جاده‌ای یکی دیگر از عواملی است که ضرورت تاسیس پایگاه‌های امداد و نجات ریلی را بیشتر رخ می‌کشد. خدادادی می‌گوید: «سایر خطوط ریلی استان هم نیازمند پایگاه‌های امداد و نجات ریلی هستند مثلاً در مناطق پتروشیمی ماهشهر. اخیراً حوادث تلخی در این منطقه اتفاق افتاد که نیاز به یک پایگاه با تجهیزاتی از قبیل درزین آمبولانس بسیار محسوس بود. آتش سوزی عظیمی در منطقه پتروشیمی ماهشهر اتفاق افتاد در صورت وجود پایگاه امداد و نجات ریلی می‌توانستیم مانند دیگر نهادهای مثل آتشنشانی و اورژانس از طریق خطوط ریلی امدادرسانی سریع‌تری انجام دهیم. واگن‌هایی از زمان جنگ ایران و عراق باقی مانده است. می‌توان با بازسازی، احیا و تجهیز و تبدیل آنها به اتوبوس آمبولانس‌های ریلی خدمات امدادرسانی بهتری در خطوط ریلی انجام داد.» جمعیت هلال‌احمر خوزستان در تلاش است تا پایگاه امداد و نجات دریایی تاسیس کند: «ما مشتاقیم تا از تمام ظرفیت‌های امدادگران در زمینه‌های مختلف دریایی، ریلی و جاده‌ای استفاده کنیم و آنها دوره‌های مهارتی لازم از قبیل رانندگی درزین، قایقرانی و جت اسکی را آموزش ببینند. اگر حوادثی پیش بیاید یک امدادگر با توانایی‌های مختلف، سازنده‌تر عمل می‌کند و عملیات امداد و نجات سریع‌تر انجام می‌شود.» هلال‌احمر خوزستان طلایه‌دار تاسیس پایگاه‌های امداد و نجات ریلی است. تداوم و گسترش فعالیت‌های پایگاه‌های امداد و نجات ریلی نیازمند حمایت‌های مالی و تامین اعتبارات و همکاری سه نهاد راه‌آهن هلال‌احمر و اورژانس است.

تعدادی از روستاهای منطقه گرمسیری الوار مسیر آسفالت ندارند

را به آنها آموزش می‌دهند: «نیاز به فرهنگ‌سازی بین اهالی روستا در خصوص آموزش‌های هلال‌احمر بسیار محسوس است. ما تلاش می‌کنیم برای این روستاها که جزء مناطق محروم خوزستان محسوب می‌شوند با حداقل امکانات بیشترین آموزش‌ها را ارائه دهیم تا در مواقع حادثه تا رسیدن امدادگران اصول اولیه امداد و نجات را خودشان انجام دهند. در همین کلاس‌ها بود که یکی از اهالی به هلال‌احمر پیوست و حالا یکی از اعضا تیم هفت نفره پایگاه امداد و نجات ریلی مازو است.»



عملیات امداد و نجات در پایگاه امداد و نجات ریلی مازو شکل و شمایل مختلفی دارد. گاه امدادرسانی در امتداد همین مسیر ۱۰۲ کیلومتری «اندیمشک» تا «تنگ‌پنچ» انجام می‌شود و گاهی عملیات امداد و نجات در یکی از روستاهای اطراف. مردم محلی، پایگاه ریلی هلال‌احمر «مازو» و اعضای آن را به خوبی می‌شناسند. «عرفان یعقوب‌پور» امدادگر یکم پایگاه امداد و نجات ریلی مازو می‌گوید: «بیشتر مراجعات ما در پایگاه، مراجعات مردمی است. بسیاری از روستاهای اطراف مثل روستای «تنگه‌هفت» جاده آسفالت و یا حتی خاکی ندارند و قطار تنها راه ارتباطی این روستاها با شهرستان‌های اطراف است. بسیاری از اهالی روستا اگر دچار مشکل یا حادثه شوند پس از اقدامات اولیه، توسط درزین آمبولانس هلال‌احمر آنها را به ایستگاه مازو انتقال می‌دهیم و از آنجا با کمک آمبولانس‌های اورژانس به مراکز درمانی می‌رسانیم.» در نبود پزشک روستا، امدادگران پایگاه امداد ریلی مازو هستند که مرهم بر زخم بیماران و آسیب دیدگان روستا می‌گذارند. در زمان وقوع سیل و زلزله نیز به کمک اهالی روستا می‌شتابند تا رسالت خود را که کمک به هموطنان است انجام دهند. یعقوب‌پور می‌گوید: «شاید حوادث ریلی در سال کمتر از انگشتان دست اتفاق بیافتد و کمتر قطاری دچار حادثه شود. اما وجود یک پایگاه امداد و نجات آن هم در روستاهایی که تنها مسیر دسترسی به شهرستان‌ها و مراکز درمانی فقط از طریق ریل راه‌آهن است، بسیار حیاتی است.» هنگام سفر با خطوط ریلی راه‌آهن اندیمشک به درود عشایری را می‌بینید که در امتداد خطوط ریلی ساکن شده‌اند. پایگاه امداد و نجات ریلی مازو، کورسوی امیدی برای عشایر زاگرس‌نشین شده‌است. جوانان پایگاه امداد و نجات ریلی مازو بیکار نمی‌نشینند. چند وقتی می‌شود که در تدارک برگزاری کلاس‌های امداد و نجات برای اهالی روستاهای اطراف مازو هستند. به مساجد روستاها می‌روند، اهالی را گرد هم می‌آورند و اصول اولیه امداد و نجات

رانندگی درزین آرزوی امدادگران پایگاه امداد ریلی مازو

و با واژگونی قطار در مناطق صعب‌العبور اتفاق می‌افتد حمل برانکار بسیار مشکل می‌شود و مصدوم را به سختی جابه‌جا می‌کنیم.» رانندگی با درزین آمبولانس هلال‌احمر یکی از آرزوهای بچه‌های پایگاه امداد و نجات ریلی مازو است. «بخش اعظم عملیات امداد و نجات خطوط ریلی بر دوش درزین آمبولانس است. رانندگی درزین به عهده لکوموتیورانان ایستگاه راه‌آهن زاگرس است اما در برخی از عملیات‌های امداد و نجات اگر راننده‌ای در ایستگاه نباشد ما نمی‌توانیم خیلی سریع خودمان را به محل حادثه برسانیم. در میحث امداد و نجات ثانیه‌ها برای ما حیاتی است و بر نتیجه عملیات امداد و نجات تاثیر مستقیم دارد.» اینها را ساکی‌منش می‌گوید. منطقه کوهستانی خطوط گرمسیری الوار به خاطر جغرافیای خاص و بارش‌های فراوانی که دارد، امکانات ارتباطی و رادیویی ضعیفی دارد. ساکی‌منش می‌گوید: «ما از طریق اهالی روستاها و یا از طریق راه‌آهن زاگرس و تماس از مرکز به وقوع حوادث پی می‌بریم و اعزام می‌شویم. وسایل ارتباطی ما بسیار محدود است و وجود یک بیسیم برای اطلاع و گزارش عملیات امداد و نجات و وضعیت مصدومان بسیار لازم است. گاهی در حین عملیات نیاز به هماهنگی‌هایی داریم که با تلفن همراه قادر به برقراری تماس نیستیم.»



خطوط ریلی اندیمشک به درود به دلیل عبور از کوه‌های زاگرس با وجود رودخانه سزار، بختیاری و دز یکی از زیباترین خطوط راه‌آهن کشور است ولی عملیات امداد و نجات در خطوط ریلی با چالش‌های فراوانی روبرو است. عملیات امداد و نجات در مسیرهای کوهستانی و صعب‌العبور نیازمند امکانات و تجهیزاتی است که حتی در برخی مواقع حیاتی نیز جایشان خالیست. «حافظ ساکی‌منش» از امدادگران پایگاه امداد و نجات ریلی زاگرس می‌گوید: «ما در پایگاه امکانات محدودی داریم که گاه عملیات امدادی ما

را دچار مشکل می‌کند. برای سرزدن به روستاها و امدادرسانی به اهالی، به یک دستگاه موتورسیکلت یا خودرو امدادی نیاز داریم تا خودمان را زودتر به محل حادثه برسانیم. چندی پیش، یک پسر بچه ۱۵ ساله در روستای مازو بر اثر بی احتیاطی عصب‌های اصلی دستش را به وسیله چاقو بریده بود به محض رسیدن به محل حادثه و شستشو و بانداز زخم به خانواده‌اش تاکید کردیم تا او را هرچه زودتر به یک مرکز درمانی ببرند. درزین آمبولانس هم امکانات خوبی مثل کپسول اکسیژن، دستگاه فشار و... دارد و نهایت دو مصدوم را با آن به ایستگاه مازو می‌رسانیم و بعد آمبولانس‌های اورژانس مصدومان را به مراکز درمانی منتقل می‌کنند. در برخی مواقع که تصادفات



تعداد مجتمع‌های دانش‌آموزی در سیستان و بلوچستان به ۵ مرکز رسید

سال‌های شیرین دور از خانه



کم نیست تعداد دانش‌آموزان سیستان و بلوچستانی که به دلیل نبود مدرسه در روستایشان، قید ادامه تحصیل را می‌زنند و مدرسه را در مقطع ابتدایی یا متوسطه اول رها می‌کنند. هزینه سنگین ایاب و ذهاب به روستاهای اطراف و تامین هزینه‌های اولیه تحصیل بهانه‌هایی است که این کودکان را زودتر از زمان موعود از درس جدا و به بازار کسب و کارهای کاذب می‌کشاند. همین‌ها بهانه‌ای شد برای گسترش مجتمع‌های دانش‌آموزی در سیستان و بلوچستان. حالا ۵ مجتمع در شهرستان‌های این استان از دانش‌آموزان حمایت می‌کند و آن‌ها را که از خانه و محل زندگی خود دور شده‌اند اسکان می‌دهد. دی ماه امسال ۲ مجتمع دانش‌آموزی با ظرفیت ۱۵۰ نفر در هیرمند و سیب و سوران راه‌اندازی شد. این مجتمع‌ها در حال حاضر تنها از دانش‌آموزان پسر میزبانی می‌کنند و دختران بسیاری از روستاهای استان هنوز شانس برای ادامه تحصیل ندارند.

معاون پیش دبستانی و دانش‌آموزی هلال احمر از ضرورت پرداختن به کودکان بازمانده از تحصیل می‌گوید

تحصیل ۵۴۴ دانش‌آموز در مجتمع‌های هلال احمر



تاسیس مجتمع‌های دانش‌آموزی در هلال احمر قدمتی ۲۰ ساله دارد و فلسفه آن به ایجاد امکان تحصیل برای کودکان مناطق محروم بر می‌گردد. «هدایت الله خیاطیان» معاون پیش دبستانی و دانش‌آموزی سازمان جوانان می‌گوید: «تعداد مجتمع‌های دانش‌آموزی در استان‌های محروم کشور در دهه هشتاد به ۷۸ مجتمع رسیده بود. این تعداد تا سال ۹۸ به دلیل افزایش زیرساخت‌های آموزشی به مرور تقلیل پیدا کرد و به ۱۱ مجتمع رسید. اما در طی امسال و افزایش تورم و همچنین گران شدن سوخت دوباره در استان محروم سیستان و بلوچستان با افزایش تعداد کودکان جا مانده از تحصیل دو مجتمع دیگر در استان راه اندازی کردیم.» در حال حاضر ۵۴۴ دانش‌آموز در ۱۳ مجتمع هلال احمر مشغول به تحصیل هستند و از امکانات اسکان و تامین وعده‌های غذایی این مجتمع‌ها استفاده می‌کنند. خطیاطیان می‌گوید: «در حال حاضر به دلیل افزایش تعداد بازماندگان از تحصیل در سیستان و بلوچستان در این زمینه به یک عزم ملی نیازمندیم. در بسیاری از روستاهای استان به دلیل کم بودن جمعیت دانش‌آموزی امکان دایر کردن کلاس‌های متوسطه اول و دوم وجود ندارد. برای همین این دانش‌آموزان مجبور به استفاده از امکانات تحصیلی سایر شهرستان‌ها و روستاها هستند و باید کیلومترها راه را طی کنند. پرداخت روزانه هزینه رفت و آمد برای بسیاری از خانواده‌ها امکان‌پذیر نیست. برای همین استقرار دانش‌آموزان در مجتمع‌های دانش‌آموزی در این شرایط بسیار کمک حال خانواده‌ها و دانش‌آموزان است. برای ایجاد این مراکز آموزش و پرورش و سایر نهادها باید دست به کار شوند و به کمک خیران فرصت تحصیل را به کودکان مناطق محروم باز گردانند.»

با توجه به پر حادثه بودن کشور و وقوع حوادث غیرمترقبه، اولویت‌های جمعیت اجازه ورود بیش از این به مساله تاسیس مجتمع‌های دانش‌آموزی را به هلال احمر نمی‌دهد. معاون پیش دبستانی و دانش‌آموزی هلال احمر می‌گوید: «بنا بر ضرورتی که در سیستان و بلوچستان و برخی استان‌های دیگر وجود داشت هلال احمر تا جای ممکن به تاسیس مجتمع‌های دانش‌آموزی ورود کرد. آنچه ما در ارتباط با این مجتمع‌ها انجام می‌دهیم جانمایی و تامین ساختمان مجتمع است. همچنین برای تامین وعده‌های غذایی مجتمع‌ها را حمایت می‌کنیم. اما برای سایر خدمات و امکانات مجتمع، استان‌ها از خیران کمک می‌گیرند. در این زمینه ما از آموزش و پرورش و سایر نهادهایی که می‌توانند به ارائه خدمات تحصیلی به کودکان محروم کمک کنند می‌خواهیم مجتمع‌های دانش‌آموزی را تجهیز و آن‌ها را در مراکز شهرستان‌ها گسترش دهند.»

فرصتی برای دختران نیست



دانش‌آموزان ساکن در مجتمع‌های هلال احمر اغلب در مقطع متوسطه اول و دوم تحصیل می‌کنند و تمام مجتمع‌های سیستان و بلوچستان مختص پسران است. مجتمع دانش‌آموزی علی بن ابی طالب (ع) در شهرستان ایرانشهر از سال ۷۱ راه اندازی شده و یکی از قدیمی‌ترین مجتمع‌های استان به شمار می‌رود. «محمد رضا کرد» مسئول مجتمع دانش‌آموزی و رییس شعبه ایرانشهر می‌گوید: «دانش‌آموزان از مسافت‌های دوری مثل نیک شهر و سرباز و روستاهایی با بیش از ۹۰ کیلومتر فاصله به اینجا می‌آیند تا بتوانند از امکانات تحصیلی استفاده کنند. در بسیاری از روستاها به دلیل نبود مدرسه و کلاس درس کافی دانش‌آموزان مجبور به ترک تحصیل در مقاطع ابتدایی می‌شوند و این موضوع آسیب‌های زیادی به بافت اجتماعی منطقه وارد می‌کند. همه ما در شهر و روستاهای اطراف دانش‌آموزانی را می‌شناسیم که بعد از ترک تحصیل در سن پایین وارد شغل‌های کاذب و خلاف قانونی مثل قاچاق سوخت و چیزهای دیگر شده‌اند. دور شدن از تحصیل برای این دانش‌آموزان تنها نداشتن سواد خواندن و نوشتن نیست بلکه تمام زندگی آن‌ها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. متأسفانه به دلیل محرومیت زیاد در استان، نبود مدرسه و کلاس درس و معلم باعث شده تا امکان تحصیل در بسیاری از روستاها برای کودکان وجود نداشته باشد.» از تعصبات فرهنگی در روستاهای استان

۵۰۰ کیلومتر دور از خانه



دور بودن روستای محل سکونت از اولین مدرسه و داشتن معدل بالا از اولویت‌های پذیرش دانش‌آموزان در مجتمع‌های هلال احمر است. فهرجی می‌گوید: «دانش‌آموزان مجتمع معمولاً از راه‌های بسیار دوری به سراوان می‌آیند. برای مثال خانه یکی از این دانش‌آموزان ۵۰۰ کیلومتر با مجتمع فاصله دارد و اگر این فرد می‌خواست بدون حمایت هلال احمر در سراوان تحصیل کند باید هزینه زیادی بابت تامین خانه و محل زندگی پرداخت می‌کرد؛ هزینه‌ای که عملاً خانواده‌ها از پرداختن آن ناتوانند. این دانش‌آموزان با همکاری ما و آموزش و پرورش شناسایی می‌شوند و هر سال آموزش و پرورش تعدادی از دانش‌آموزان مستعد روستایی که امکان ادامه تحصیل در روستای خود را ندارند به ما معرفی می‌کند. گاهی هم خود دانش‌آموزان که تعریف این مراکز شبانه روزی را شنیده‌اند برای ثبت نام به اینجا می‌آیند و ما بعد از بررسی شرایط، آن‌ها را ثبت نام می‌کنیم.» این مجتمع هر سال دانش‌آموزانی را روانه دانشگاه می‌کند و دانش‌آموزان قدیمی مجتمع حالا مشاغلی مثل معلمی، دکتر داروساز، عضو هیات علمی دانشگاه و ... را از آن خود کرده‌اند.

جنوب تا شمال استان نیازمند مجتمع‌های

دانش‌آموزی است



شود. آنچه مسلم است این است که از جنوب تا شمال استان نیاز به دایر کردن این مجتمع‌ها داریم تا امکان تحصیل برای دانش‌آموزان مستعد استان فراهم شود. دانش‌آموزانی که از تحصیل جا می‌مانند به دلیل مشکلات مالی خیلی زود به سمت مشاغل کاذب رو می‌آورند و راه‌هایی برای کسب درآمد پیش می‌گیرند که استان را هرچه بیشتر با چالش و مشکلات مواجه می‌کند.» علاوه بر هلال احمر نهادهایی مثل آموزش و پرورش هم در استان سیستان و بلوچستان مجتمع‌های شبانه روزی برای تحصیل دانش‌آموزان محروم دایر کرده است. میری می‌گوید: «برای حل مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان در روستاهای سیستان و بلوچستان به عزمی ملی نیاز داریم. فاصله جغرافیایی روستاها در استان از یکدیگر زیاد است و از طرف دیگر به دلیل جمعیت پایین هر روستا و کمبود معلم و کلاس درس، بسیاری از روستاها از مقاطع تحصیلی متوسطه را پوشش

«امسال متوجه شدیم تعداد زیادی از دانش‌آموزان استان به دلیل نداشتن دسترسی به مدرسه در حال ترک تحصیل هستند. برای همین دو مجتمع دانش‌آموزی در دی ماه راه‌اندازی کردیم تا تعداد مراکز شبانه روزی هلال احمر برای کمک به دانش‌آموزان بی بضاعت و محروم در استان به ۵ مرکز برسد.» علیرضا میری معاون جوانان هلال احمر سیستان و بلوچستان این را می‌گوید و به ظرفیت ۲۵۰ نفری مجتمع‌های دانش‌آموزی اشاره می‌کند که فرصت تحصیل دانش‌آموزان روستایی را در شهرستان‌های هیرمند، سیب و سوران، ایرانشهر، سراوان و زابل فراهم می‌کند. او می‌گوید: «برای راه اندازی این مجتمع‌ها علاوه بر تامین جا و ساختن ساختمان به تامین کادر مجتمع هم نیاز داریم. برای مثال مجتمع‌ها نیاز به آشپز و مدیر و سرپرست دارد و علاوه بر آن باید برای هزینه‌های عادی این مجتمع‌ها هم تامین اعتبار



پروژه‌های مشترک جوانان با یونیسف در منا

زندگی

چیزی به سالگرد وقوع سیل ویرانگر در استان‌های گلستان و لرستان در فروردین ماه نمانده و زیرساخت‌های زیادی از جمله پارک‌ها و مدارس و مراکز عمومی دیگر از بین رفته است و بازسازی یکی از پر آسیب‌ترین مناطق سیل زده گلستان است و به همین دلیل پروژه‌های مشترکی با هم‌مداخلات اجتماع محور و مدیریت مورد. این طرح‌ها در برخی از روستاها به پایان رسیده و در رفاه و امنیت کودکان را تامین می‌کند و تلاش دارد تا زندگی عادی به مناطق سیل زده برگردد.



مثل فانوس در شب تاریک

مداخلات اجتماع محور در آق‌قلا و گمیشان از ۴ ماه پیش آغاز شده است و تا دو ماه دیگر ادامه دارد. «یوسف بهرمال» از تسهیلگران این طرح در استان گلستان می‌گوید: «مداخلات اجتماع‌محور با تسهیلگری هلال احمر در مناطق سیل زده در جریان است. در این طرح ما جلسات هفتگی با مردم مناطق سیل شرده برگزار می‌کنیم. در این جلسات مردم از مشکلات خود درباره محل زندگی و مشکلات معیشتی و اجتماعی خود می‌گویند. بعد برای حل کردن این مشکلات با کمک هم‌محلی‌های خود آسستین بالا می‌زنند. ما به عنوان تسهیلگر برای طی کردن برخی از موانع اداری به آن‌ها کمک می‌کنیم و حکم فانوس در شب تاریک را داریم که فقط راه را نشان

ردیف	عنوان	نام استان‌های مجری	نام و تعداد منطقه‌های تحت پوشش
۱	پروژه حمایت‌های اجتماع محور روانی-اجتماعی به سیل‌زدگان با تمرکز بر کودکان	گلستان و لرستان	گلستان: ۸ روستا (سقربلیقی، سلاق، میرزا علی، قلعه استقلال، خواجه نفس، تواماج لر) لرستان: چشم‌گز، خرسدر، کوی سازمانی‌هاو محله
۲	پروژه مدیریت مورد	گلستان و لرستان	گلستان: محله کل‌آباد لرستان: کوی سازمانی‌ها
۳	فضای دوستدار کودک	گلستان و لرستان	گلستان: آق‌قلا و گمیشان لرستان: شامل بخش مرکزی پلدختر و شهرستان
۴	ایجاد زمین بازی	گلستان و لرستان	گلستان: مرکز شهرستان‌های آق‌قلا و گمیشان لرستان: شهرستان‌های پلدختر و معمولان

حل خانه به خانه مشکلات

اجرای طرح مدیریت مورد در گلستان به پایان رسیده است. تسهیلگران آموزش دیده در روستای کل‌آباد استان گلستان خانه به خانه به ارزیابی مشکلات و بیماری‌های اهالی روستا پرداختند و بعد از پایان ارزیابی پزشکان معتمد و همراه را شناسایی کردند. حالا نوبت ارجاع بیماران به پزشک‌خانه بود که آن‌ها را به صورت رایگان و یا با دریافت هزینه‌های حداقلی ویزیت کنند. «خدیدجه نمازی فر» از هلال احمری‌های آق‌قلا است که بعد از وقوع سیل فعالیت‌های داوطلبانه خود را در هلال احمر جدی‌تر دنبال کرده و در طرح مدیریت مورد به عنوان تسهیلگر کار خود را آغاز کرده است. او می‌گوید: «مهم‌ترین کار ما در طرح مدیریت مورد این بود که بیماری‌ها و مشکلات افراد هر خانوار را با کمک خودشان تشخیص دهیم و آن‌ها را به پزشک مرتبط ارجاع دهیم. این پزشکان از قبل توسط تیم‌ها ما شناسایی شده بودند و اعلام آمادگی کرده بودند که بیماران که ما معرفی می‌کنیم را به صورت رایگان ویزیت کنند. بعضی از این خدمات پزشکی و درمانی هم تنها با دریافت ۲۰ یا ۵۰ درصد از کل هزینه‌ها به این افراد ارائه می‌شد.» بیماری‌های روانی و افسردگی یکی از شایع‌ترین موارد شناسایی شده در روستاهای آق‌قلا بعد از وقوع سیل بود. زنان و کودکان بیشتر از مردان درگیر این معضلات بودند. نمازی‌فر می‌گوید: «بعد از وقوع سیلاب مادران و کودکان دچار اضطراب‌های فراوانی شده بودند. بسیاری از کودکان از صدای بارش باران و یا صدای شرشر آب وحشت داشتند و یاد سیل در ذهنشان تداعی می‌شد. شب‌ها کابوس می‌دیدند و مدام گریه می‌کردند. زن‌ها هم همینطور. دیدن اینکه تمام خانه و زندگی آن‌ها در سیل دچار آسیب شده و هیچ وسیله‌ای سالم باقی نمانده، برای زنان بسیار سخت بود. مواردی که این مشکلات را با ما در میان می‌گذاشتند با چند جلسه مشاوره و روان‌شناسی درمان شده‌اند.» علاوه بر حل مشکلات درمانی و پزشکی برای این افراد، تسهیلگران به حل نیازهای معیشتی این خانواده‌ها هم می‌پرداختند و با کمک‌های خیران و حمایت‌های داوطلبانه آن‌ها را برطرف می‌کردند: «در سیل خانواده‌هایی بودند که به دلایل مختلف هیچ حمایتی دریافت نکرده بودند و از نظر معیشتی در وضعیت خوبی به سر نمی‌بردند. یکی از کارهای ما در طرح مدیریت مورد شناسایی این خانواده‌ها و نیازهای اولیه آن‌ها بود. به خصوص نیازهای اولیه معیشتی که بتوانیم آرامش نسبی را برای کودکان و خانواده‌هایشان فراهم کنیم.» اجرای سه ماهه طرح مدیریت مورد در روستای کل‌آباد شهرستان آق‌قلا به پایان رسیده است اما تسهیلگران هنوز هم پیگیر حال و روز افراد بیمار و دارای مشکلات معیشتی هستند. نمازی‌فر می‌گوید «هنوز هم با برخی از موارد خاص که بیماری‌های مزمن‌تری داشتند در ارتباط هستیم و پیگیر روند درمانشان هستیم. در کنار این موارد، خانواده‌هایی هم بودند که جاده رسیدن به خانه آن‌ها بر اثر سیل از بین رفته بود و امکان رفت و آمد به آن خانه وجود نداشت. این افراد را راهنمایی کردیم تا با نوشتن درخواست تعمیر این جاده، پیگیری برطرف شدن مشکلاتشان باشند.»



پروژه‌های یونیسف در پلدختر همکاری مردم مثال زدنی بود



بیشترین آسیب‌های سیل امسال در استان لرستان در پلدختر به چشم می‌خورد. محله‌ها و خانه‌ها و جاده‌هایی که در سیل شسته شده و از بین رفته است و مشکلات و بیماری‌هایی که برای کودکان و خانواده‌هایشان در این شهرستان باقی گذاشته باعث شده تا طرح‌های مشترک با یونیسف در پلدختر هم به اجرا در آید. «صبا روزبه» از اعضای جوانان پلدختر می‌گوید: «بعد از فروکش کردن سیل در پلدختر در بهار ۹۸ پروژه‌های مشترک با یونیسف با آموزش اعضا آغاز شد. برای اجرای طرح مدیریت مورد و یا مداخلات اجتماع محور به سراغ مناطق پر آسیب رفتیم. محله کوی سازمانی‌ها هم خسارت‌های زیادی در سیل دیده بود و هم به لحاظ آسیب‌های اجتماعی و دیگر مشکلات در صدر محله‌های پلدختر قرار داشت. برای همین این محله را در اولویت خود قرار دادیم. در طرح مدیریت مورد معضلات و مشکلات زیادی از اهالی این محله حل شد. با داروخانه‌هایی که به کار و کمک داوطلبانه علاقه‌مند بودند همکاری خود را آغاز کردیم و تامین داروی تعداد مشخصی از مددجویان در روز را بر عهده گرفتند. همچنین پزشکان مختلفی برای ویزیت رایگان این افراد اعلام آمادگی کردند. برای ایجاد فضای دوستدار کودک سالتی در اختیار ما قرار دادند و خیران وسایل مورد نیاز این فضا را در اختیار ما گذاشتند. برنامه منظمی برای بازی و تفریح بچه‌ها در طول ۳ ماه دایر بودن این فضا در نظر گرفته بودیم. با پایان مهلت ۳ ماهه وسایل بازی به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان پلدختر فرستاده شد تا کودکان در آنجا بتوانند آن استفاده کنند.» در حال حاضر مداخلات اجتماع محور در دو محله در حال اجرا است و اهالی پلدختر برای رفع مشکلات خودشان گروه‌های مختلفی تشکیل داده‌اند و در جلسات هفتگی شرکت می‌کنند. هدف این است با پایان فرصت ۶ ماهه برای اجرای این طرح اهالی محله‌های پلدختر همچنان این جلسات را پویا و فعال نگه دارند و به حل کردن مشکلات محله خود بپردازند. روزبه می‌گوید: «همکاری مردم پلدختر در اجرای این طرح‌ها مثال زدنی بود. جلسه‌های مداخلات اجتماع محور در خانه اهل به صورت دورهای برگزار می‌شود و مردم مشارکت خوبی در آن دارند.»



گفت و گو با مشاور رئیس سازمان جوانان

هدف: افزایش کیفیت زندگی کودکان است

هر سال یونیسف پروژه‌های مشترکی با اعضای دبیر کل و با رئیس سازمان جوانان در کشور اجرا می‌کند؛ فعالیت‌هایی که در حوزه حمایت از کودکان برگزار می‌شود و آن‌ها را گروه هدف اصلی برنامه‌ها قرار می‌دهد. «کبری محمدی» مشاور رئیس سازمان جوانان می‌گوید: «در کنار تفاهم‌نامه‌های هر ساله برای برگزاری برنامه‌های خاص در حوزه کودکان، یونیسف در صورت وقوع حوادث بزرگی مثل سیل و زلزله هم برای اجرای برنامه‌های حمایتی مختلف از کودکان اعلام آمادگی می‌کند. امسال در پی وقوع سیل در کشور پروژه‌هایی با همکاری یونیسف در کشور رقم خورد. ایجاد فضای دوستدار کودک، اجرای طرح مدیریت مورد، مداخلات اجتماعی، پروژه آشنایی کودکان با مین و ایجاد زمین بازی برای کودکان در مناطق سیل زده از جمله این طرح‌ها بود که در استان‌های گلستان و لرستان و خوزستان و ایلام برگزار شد.» شناسایی مناطق آسیب دیده از سیل که دچار آسیب‌های اجتماعی و معضلات زیادی است از اولین قدم‌ها برای اجرای این طرح‌ها بود. اعضای جوانان بعد از اعلام فراخوان در دوره‌های آموزشی، زیر نظر مربیان مورد تایید یونیسف دوره دیدند و بعد از تایید مهارت‌های آن‌ها به مناطق پایلوت رفتند تا در آنجا به ماموریت‌های تعیین شده خود برسند. محمدی می‌گوید: «افراد آموزش دیده زیر نظر مربیان یونیسف به اجرای طرح‌ها در مناطق تعیین شده می‌پردازند. در طرح‌هایی مثل مدیریت مورد و طرح‌های اجتماع محور مربیان ما حکم تسهیلگران را دارند که آموزش‌های کسب کرده را به مردم محلی منتقل می‌کنند و مشارکت آن‌ها برای اجرای طرح را تقویت می‌کنند.» این طرح‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم کودکان و افزایش کیفیت زندگی برای آن‌ها در مناطق سیل زده را نشانه می‌رود و با حل کردن معضلات این مناطق در زمینه‌های درمانی و مشکلات اداری و تعاملات روستایی، آرامش و جریان عادی زندگی را به این کودکان برمی‌گرداند. محمدی می‌گوید: «در طرح‌های مختلف امسال شاهد رخ دادن اتفاق‌های خوبی بودیم. برای مثال پروژه آشنایی با مین امسال به دلیل شسته شدن خاک بعد از وقوع سیل در خوزستان و ایلام و تشدید خطر انفجار مین‌های خنثی نشده کلید خورد. بعد از برگزاری این کلاس‌های آموزشی برای کودکان عشایر بود که دو مین و خمپاره عمل نکرده در خوزستان شناسایی شد. پیگیری روند درمان بیماری‌های مردم سیل زده در لرستان و گلستان و همچنین حل معضلاتی مثل کمبود سرانه‌های ورزشی در برخی از روستاها از دیگر اتفاق‌های خوبی بود که با اجرای این طرح‌ها در استان گلستان و لرستان رخ داد. این طرح‌ها برنامه ریزی‌های سه یا شش ماهه داشتند و برخی از آن‌ها به پایان رسیده و برخی دیگر هنوز در حال اجرا است.»

طبق سیل زده به خط پایان نزدیک می‌شوند

سلام

با این حال وضعیت روستاهای سیل زده هنوز به حالت عادی برگشته است. علاوه بر خانه‌ها، آن با سرعت آهسته‌ای در حال انجام است. استان گلستان و شهرستان‌های آق‌قلا و گمیشان راهی یونیسف در این مناطق در حال انجام است. از ایجاد فضای دوستدار کودک گرفته تا طرح رخی دیگر از روستاها و شهرستان‌ها در حال انجام است و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم



خ شده در این طرح در گلستان
ماعی گرفته تا تامین زمین بازی
انسه و ... در این دایره جا گرفته
ایخانه عمومی یکی از مشکلاتی
ق‌قلا به چشم می‌خورد. جوانان
مصمیم گرفتند تا کتاب‌هایی که
عمومی اهدا کنند. برای تامین
به سراغ خیران محلی و استانی
شکلات اهالی آق‌قلا و گمیشان
استانداری گرفتند و دغدغه‌های
ربط در میان گذاشتند.» طرح

مداخلات اجتماع محور همچنان در استان گلستان در حال
اجرا است و بعد از اتمام اجرای آن نوبت به ارزیابی می‌رسد.
بهرمال می‌گوید: «بی‌صبرانه منتظر آغاز ارزیابی طرح در آق‌قلا
و گمیشان هستیم تا ببینیم چه مقدار از نیازهای مردم به کمک
خودشان برطرف شده و طرح چقدر نتیجه بخش بوده. یکی از
مهمترین دستاوردهای این طرح تا اینجا ایجاد روحیه مشارکت
و همکاری در بین مردم مناطق سیل زده بود. هدف این است
که ما بتوانیم مردم مناطق سیل زده را برای حل مشکلات خود
توانمند کنیم. در این مناطق مشکلات فراوانی وجود دارد که
اگر خود مردم برای حل آن پیشقدم شوند و برای برطرف کردن
آن راه حل داشته باشند زودتر این مشکلات رفع خواهد شد.»

آموزش به کمک بازی و سرگرمی



وقوع سیل و از بین رفتن خانه و زندگی اهالی آق‌قلا، آن‌ها را آنقدر درگیر خود کرده بود که از رسیدگی به کودکان غافل بودند و بسیاری از خانواده‌ها توان توجه کافی به نیازهای کودکان را نداشتند. زمین‌های بازی و پارک‌ها از بین رفته بود و کودکان با اضطراب ویرانی سیل تنها بودند. راه اندازی فضاهای دوستدار کودک در مناطق سیل زده از جمله آق‌قلا یکی از پروژه‌های مشترک با یونیسف بود. «سارا دلیچه» از مربیان فضای دوستدار کودک در آق‌قلا می‌گوید: «این فضا یک ماه است که راه اندازی شده و کودکان و نوجوانان از امکانات مختلف آن استفاده می‌کنند. طبق آموزش‌هایی که ما دیده‌ایم اولویت ما در این فضای دوستدار کودک بازی و سرگرمی بچه‌ها است. ما در قالب این بازی‌ها و سرگرمی‌ها نکات مختلفی را به کودکان آموزش می‌دهیم. کودکان منطقه در گروه‌های سنی دسته بندی شده‌اند و نحوه بازی‌ها و آموزش‌های هر کدام از این گروه‌ها با یکدیگر متفاوت است.» از کارگاه‌های آموزشی می‌گوید که در آن با روش‌های مختلف بازی با کودک و رفتار با آن‌ها آشنا شده‌اند. مسواک زدن، احترام به بزرگتر، نقاشی و کاردستی از جمله آموزش‌هایی است که کودکان در فضای دوستدار کودک تجربه می‌کنند. دلیچه می‌گوید: «در مدت راه اندازی فضای دوستدار کودک در آق‌قلا بچه‌ها چیزهای زیادی یاد گرفته‌اند و تغییر محسوسی در رفتار و بازی‌های آن‌ها به چشم می‌خورد. بچه‌های کوچکتر در روزهای نخست راه اندازی این مرکز به سختی از مادران خود جدا می‌شدند و نشانه‌هایی از اضطراب سیل هنوز در آن‌ها وجود داشت. اما خیلی زود جذب فضا و بازی‌ها شدند و با همدیگر ارتباط خوبی گرفتند. خیلی از بچه‌های زیر ۷ سال تا قبل از آمدن به این کلاس‌ها مداد در دست نگرفته بودند اما حالا نقاشی می‌کشند. حرف زدن و بازی کردن و مهارت‌های دیگری را به خوبی از مربیان و دیگر کودکان یاد می‌گیرند و در اینجا فضای امن و آرامی برای آن‌ها به وجود آمده است.» از خانواده‌هایی می‌گوید که از برگزاری فضای دوستدار کودک و بازی کودکانشان احساس رضایت می‌کنند و خیالشان بابت آرامش کودکانشان راحت شده است: «مادرها از روز اول دوست داشتند در این فضا به کودکان زبان انگلیسی و خواندن و نوشتن یاد بدهیم. اما برای آن‌ها توضیح دادیم که بازی و تفریح بچه‌ها چقدر برای ما اهمیت دارد و در حین بازی به آن‌ها مهارت‌های مختلفی آموزش می‌دهیم. حالا مادران از دیدن شادی و بازی کودکانشان احساس رضایت می‌کنند. بسیاری از این کودکان بعد از سیل دچار اضطراب و افسردگی شده بودند اما ایجاد فضای دوستدار کودک به آن‌ها کمک کرده است تا آرامش بیشتری داشته باشند.» وسایل بازی و امکانات تهیه شده در این فضا بعد از پایان طرح به مراکز کودکان مثل کانون پرورش فکری شهرستان منتقل می‌شوند تا کودکان همچنان بتوانند از آن استفاده کنند.

پروژه مین در ایلام و خوزستان

مناطق مرزی ایلام و خوزستان هنوز از حضور مین‌های زمان جنگ به صورت کامل پاکسازی نشده است. وقوع سیل و شسته شدن خاک این مناطق باعث شد تا مین‌ها و مهمات عمل نکرده به سطح خاک نزدیک شوند و احتمال انفجار و خطر در این مناطق بیشتر شده است. یکی از پروژه‌های مشترک یونیسف و سازمان جوانان بعد از وقوع سیل امسال در کشور، آموزش مواجهه با مین‌های خنثی نشده در روستاهای مرزی ایلام و خوزستان بود که همچنان در حال انجام است. در این طرح مربیان آموزش دیده به سراغ مدارس و خانه‌های روستایی و عشایر می‌روند و برای تمام گروه‌های سنی به ویژه کودکان آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهند. آشنایی با شکل ظاهری مین‌ها و نحوه عمل کردن آن، مواجهه با مهمات عمل نکرده و خطراتی که ممکن است کودکان را در زمین‌های بازی تهدید کند از جمله این آموزش‌ها است. همچنین مردم روستاهای مرزی یاد می‌گیرند در صورت انفجار این مین‌ها باید چه اقدامات اولیه‌ای برای خود و دیگران انجام دهند تا رسیدن نیروهای امدادی زنده بمانند و خطر را از خود دور کنند. خوزستان تا کنون در کلاس‌های آموزشی مواجهه با مین ۵۰ روستا و منطقه عشایری از این آموزش‌ها بهره‌مند شده است.



تعداد آموزش های ارائه شده	تعداد بهره مندان	مدت زمان اجرای طرح	خلاصه طرح
گلستان: ۲ روز آموزش به تسهیلگران لرستان: ۲ روز آموزش به تسهیلگران	گلستان: حداقل ۱۰۰ نفر لرستان: حداقل ۱۰۰ نفر	۶ ماه	مداخله اجتماع محور مداخله‌ای است که در آن یک تسهیلگر و یا گروهی از تسهیلگران در قالب یک تیم به یک اجتماع وارد می‌شوند تا به تدریج مشارکت را در آن شکل دهند و این خود مردم آن اجتماع هستند که با مشارکت مسائل آن اجتماع خود را (و به ویژه مسئله‌ای که باعث مداخله شده است) شناخته، اولویت بندی کنند و برای آنها راه کارهایی را پیشنهاد دهند و خود آن راه کارها را اجرا کنند. در رویکرد اجتماع محور هدف کلی توان‌افزایی جوامع محلی در جهت شناخت، ارزیابی مسائل و نیازهای محلات و توانایی برنامه ریزی و انجام اقدامات لازم در حل و پاسخگویی به این مسائل و نیازها (با توجه ویژه به مسائل و نیازهای کودکان سیل زده) توسط خود این جوامع خواهد بود.
برگزاری دوره آموزشی برای تسهیلگران	گلستان: ۱۵۰ لرستان: ۲۵۰ نفر	۳ ماه	بی نظمی ناشی از بروز حوادث طبیعی باعث می‌شود مردم در بسیاری موارد برای پاسخ به نیازهایشان با چالش‌های جدی روبرو شوند. در مدیریت مورد پایه، جستجوی منابع و برقرار کردن ارتباط مراجع با منابع حمایتی و ارائه دهنده خدمات به عنوان رکنی اساسی به شمار می‌رود. به این ترتیب رویکرد مدیریت مورد پایه می‌تواند تا زمانی که جامعه بتواند نظم نسبی خود را بازیابد، دستیابی گروه هدف به خدمات را تسهیل کند. هدف اصلی در مدیریت مورد، بهینه سازی عملکرد و رفاه مددجو است که از طریق توانمندسازی اعضا به عنوان تسهیلگر برای ارائه و هماهنگی خدمات، در موثرترین و کارآمدترین راه ممکن برای افراد با نیازهای متعدد انجام می‌شود.
۲ کارگاه آموزشی برای تسهیلگران . برگزاری روزانه کارگاه‌های آموزشی جدید با موضوعات آموزش بهداشت فردی، خود مراقبتی، کاهش خشونت و خود باوری و... برای کودکان	گلستان: ۱۰۰ کودک و نوجوان لرستان: ۲۰۰ کودک و نوجوان	۳ ماه	کودکان به دلیل عدم رشد کافی جسمی، عاطفی و اجتماعی و همچنین عدم آگاهی و آمادگی در برابر شرایط بحرانی دارای توانایی لازم برای شناخت و پذیرش سانحه و پیامدهای آن نیستند. به همین دلیل کودکان و نوجوانان آسیب پذیرترین قشر در برابر آثار و پیامدهای شرایط بحرانی، به خصوص در بعد روانی اجتماعی آن هستند. برای همین شناخت و آگاهی از مخاطرات و نیازمندی‌ها در جهت پیشگیری و مداخله زودرس و ارائه راهکارهای مناسب برای حفظ سلامت کودکان لازم و ضروری است. فضای دوستدار کودک و نوجوان، فضایی شاد و امن برای کودکان و نوجوانان است تا از میزان فشار روانی که در اثر بروز شرایط بحرانی بر آنها وارد می‌شود، کاسته شود. این مکان جایگاه مناسبی برای آموزش کودکان و نوجوانان است و با استفاده از کمک‌های اجتماع محلی راه اندازی می‌شود.
-	به علت تخریب در اثر سیل این مناطق فاقد زمین بازی هستند.	-	سازمان جوانان با همکاری یونیسف نسبت به خرید وسایل بازی کودکان و ایجاد زمین بازی برای آنان برنامه ریزی و در ماه آینده اقدام لازم انجام خواهد شد.



کاروان‌های سلامت به روستاهای
سیستان و بلوچستان بازگشتند

ارمغان پزشکان داوطلب

خدمات رسانی در مناطق سیل زده
به روایت معاون سازمان
پزشکان داوطلب
روز به روز افزایش می‌یابد



با فروکش کردن طغیان رودخانه‌ها و امدادرسانی اولیه به مناطق سیل زده سیستان و بلوچستان، کاروان‌های سلامت راهی این استان شده‌اند. پزشکان و متخصصان داوطلب سری به روستاهای محروم و سیل زده استان می‌زنند و خدمات بهداشتی و درمانی مورد نیاز را به مردم این روستاها می‌رسانند. حضور تیم‌های سلامت روانی در این کاروان‌ها برای کاهش اضطراب‌های بعد از حادثه سیل به چشم می‌خورد. «وحید سلیمی» معاون جذب و سازماندهی سازمان داوطلبان می‌گوید: «کاروان‌های سلامت متشکل از متخصصان، پزشکان، پیراپزشکان، پرستاران و داوطلبان عضو سازمان داوطلبان به مناطق روستایی شهرستان چابهار و ایرانشهر و شهرستان‌هایی که بیشترین آسیب‌ها را در سیل داشتند اعزام می‌شوند. این کاروان‌ها با همکاری سازمان نظام پزشکی برای خدمات رسانی رایگان به مردم روستاهای سیل زده و کم‌تر برخوردار شهرستان‌ها راه اندازی می‌شوند.»

زمان زیادی از اعزام کاروان‌های سلامت به روستاهای محروم سیستان و بلوچستان در طرح نذرآب ۲ نمی‌گذرد. این بار کاروانی از پزشکان داوطلب خود را به روستاهایی رسانده‌اند که بیشترین خسارت‌ها را در سیل یک ماه اخیر داشته‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده از این روستاها در طرح نذرآب کمک زیادی به نیازسنجی کاروان‌های سلامت کرده است. معاون جذب و سازماندهی سازمان داوطلبان می‌گوید: «کاروان سلامت داوطلبان با نیازسنجی‌های صورت گرفته از سوی هلال احمر استان با هماهنگی دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر به این استان اعزام شده است. براساس بررسی‌های انجام شده از سوی داوطلبان هلال احمر در مناطق سیل زده استان سیستان و بلوچستان مشخص شد دریافت خدمات دندان پزشکی، زنان و زایمان و بیماری‌های گوارشی عمده‌ترین نیازهای ساکنان مناطق آسیب دیده و متاثر از سیل اخیر این استان شرقی کشور به حضور پزشکان داوطلب و دریافت خدمات درمانی مناسب‌تر از سوی پزشکان متخصص است.»

اولین کاروان سلامت اعزامی متشکل از ۱۶ نفر پزشک متخصص پوست، اطفال، زنان و زایمان، چشم پزشکی، دندان پزشکی و عمومی است که در دهه فجر برای ارائه خدمات درمانی داوطلبانه و رایگان به مناطق سیل‌زده سیستان و بلوچستان اعزام شده است. قرار است این تیم‌های پزشکی کاروان‌های سلامت در مراکز درمانی و خانه‌های بهداشت روستاهای سیل زده عورکی، پیرسهراب، تنگ و نوبندیان شهرستان چابهار در استان سیستان و بلوچستان به ارائه خدمات درمانی رایگان به مردم روستایی بپردازند. سلیمی می‌گوید: «در کنار این ۱۶ متخصص و فوق تخصص در رشته‌های زنان، کودکان، عفونی، دندان پزشکی، مامایی و عمومی که از استان تهران به روستاهای یادشده اعزام شده‌اند؛ برای تامین سایر کادر پزشکی از ظرفیت‌های بومی استان سیستان و بلوچستان استفاده می‌کنیم. این نیکوکاران واقعی همواره به عنوان حامیان اصلی این سازمان در تمامی برنامه‌های بشردوستانه اعم از حوادث و سوانح به وقوع پیوسته با ارائه خدمات متنوع بهداشتی و درمانی یار و مددکار این سازمان بوده‌اند و حتی در بدترین شرایط سخت اقتصادی روز به روز بر شمار کسانی که برای پیوستن به داوطلبان هلال احمر اعلام آمادگی می‌کنند، اضافه می‌شود.» در بارندگی‌های سیل آسا ۱۴ شهرستان سیستان و بلوچستان در حوزه بحرانی سیل قرار گرفت و هزار و ۵۴۲ روستا نیز تحت تاثیر این سیلاب بود.

تداوم حضور پزشکان ضروری است



این اولین همراهی دکتر «سید مهدی طبایی» متخصص پوست و عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی با هلال احمر در کاروان‌های سلامت بود. پشتیبانی هلال احمر و تامین فضا و شرایط لازم برای حضور پزشکان از نظر او فرصتی غنیمت برای مردم مناطق محروم است و تداوم آن می‌تواند بخش کوچکی از مشکلات سلامت و بهداشت این مناطق را برطرف کند. دکتر طبایی می‌گوید: «کاروان سلامتی که به سیستان و بلوچستان اعزام شده بود کاروانی متشکل از متخصصان مختلف پزشکی بود و حضور همه این تخصص‌ها در روستاهای محروم، لازم و ضروری بود. مشکلات بهداشتی و درمانی مردم در این مناطق فراوان است و هر تخصص و امکاناتی در آن حتما به کار می‌آید.» در طول ۳ روز استقرار در روستاهای شهرستان چابهار بیماران مختلف پوستی را ویزیت کرده و تا جای ممکن روند درمان را برای مراجعان توضیح داده است. او می‌گوید: «بیماری‌های مزمن موجود در منطقه کم نبودند و برای درمان این بیماری‌ها نیاز به حضور مستمر کادر پزشکی احساس می‌شود. چراکه طول درمان بسیاری از این بیماری‌ها بیش از یک ماه است و نیاز به مراقبت پزشکی دارد. با این حال تا جای ممکن راه و چاه را به بیماران نشان دادیم. عفونت‌های قارچی و باکتریال و ویروسی از شایع‌ترین بیماری‌های مربوط به پوست در روستاهای چابهار بود. حساسیت مزمن پوستی به دلیل آلودگی خاک و محیط زندگی به چشم می‌آمد. بسیاری از مردم استان در معرض اثر مخرب تابش آفتاب هم هستند و پوست آن‌ها نیاز به مراقبت دارد.» از فرصت کوتاهی می‌گوید که برای آموزش و توصیه‌های پزشکی برای مراجعان صرف می‌شد و تغییر سبک زندگی مردم این منطقه: «آموزش می‌تواند تاثیر زیادی در بهبود شرایط سلامتی و معیشتی مردم روستاهای محروم سیستان و بلوچستان باشد. مردم در این منطقه با شرایط خاصی روبرو هستند و به دلیل دسترسی نداشتن به آب آشامیدنی سالم بیماری‌های زیادی در میان آن‌ها شایع است. یکی از کارهایی که ما در این کاروان‌های سلامت انجام می‌دادیم توصیه به مردم برای رعایت کامل نکات بهداشتی بود و تلاش برای بالا بردن سطح بهداشت و سلامت فردی. این آموزش‌ها هم در هر منطقه‌ای نیاز به تداوم دارد. برای این کار می‌توان از ظرفیت مردم محلی استفاده کرد و افرادی که از سطح سواد لازم برخوردار هستند و با معلم‌های روستایی را برای این آموزش‌ها آماده کرد. پزشکان هم آمادگی لازم را دارند تا با ایجاد شرایط لازم، به صورت مداوم و دوره‌ای در روستاهای محروم حضور داشته باشند و خدمات درمانی لازم را ارائه کنند.»

فرهنگ سازی و آموزش



۱۰ سال است که دکتر «زهرنا نادی» به عضویت سازمان داوطلبان درآمده و عضو تیم مدد محرومان است. این متخصص زنان و زایمان بیست و سومین ماموریت داوطلبانه خود را با همراهی کاروان سلامت هلال احمر در سیستان و بلوچستان به پایان رسانده است. دکتر نادی می‌گوید: «به دلیل فقر و محرومیت زیادی که در روستاهای سیستان و بلوچستان به چشم می‌خورد بسیاری از زنانی که در این کاروان سلامت ویزیت کردم زنان بارداری بودند که هیچ اطلاعاتی از شرایط بارداری و زایمان خود نداشتند. اغلب آن‌ها حتی یک مراجعه به مرکز سونوگرافی هم نداشتند و با وجود پرخطر بودن ریسک بارداری، برای بار چندم آن را تجربه می‌کردند. با بیماری‌های مختلفی در این حضور ۳ روزه در سیستان و بلوچستان مواجه شدیم. از بیماری‌های عفونی گرفته تا دردهای میگرنی و افسردگی و فشار خون و قند خون بالا. بسیاری از این دردها و بیماری‌ها در زنان به صورت دردهای مهاجر خود را نشان می‌دادند. دلایل هم افسردگی و زندگی در شرایط سخت است. این افسردگی باعث بروز دردهای مهاجر می‌شود.» مصرف آب آلوده بیماری‌های انگلی و گوارشی و نفخ و دل پیچه را به جان اغلب این زن‌ها انداخته. این پزشک داوطلب از تجربه حضور نوجوانان سیستان و بلوچستان برای انجام کارهای اولیه در کنار تیم‌های پزشکی می‌گوید: «برای اینکه کارها سریع‌تر پیش برود از چند نفر از زنان و دختران روستایی کمک گرفتیم تا کارهای اولیه‌ای را انجام دهند. این بچه‌ها و زن‌ها خیلی زود هرچه می‌گفتیم یاد می‌گرفتند و تشنه آموزش بودند. دختران ۹ ساله‌ای بودند که می‌گفتند دلشان می‌خواهد امدادگر هلال احمر و یا پرستار شوند. حضور تیم‌های پزشکی و داوطلبی در این روستاها تاثیر خود را روی کودکان و نوجوانان می‌گذارد و به آن‌ها امید و انگیزه می‌بخشد.» از جای خالی آموزش و فرهنگ سازی در روستاهای محروم و دور افتاده کشور به خصوص در سیستان و بلوچستان می‌گوید که معضلات زیادی در حوزه سلامت و درمان به وجود آورده است: «یکی از شایع‌ترین مشکلات روستاهای سیستان و بلوچستان تمایل به داشتن فرزندان زیاد است. زنانی که بعد از ۴ بار زایمان همچنان به باردار شدن و فرزندآوری فکر می‌کردند و اگر بعد از چند زایمان دیگر باردار نمی‌شدند خود را نازا می‌دانستند. درحالی که برای اغلب آن‌ها به دلیل قند و فشار خون بالا بارداری خطرناک بود. در صورت آموزش‌های صحیح به این افراد در این زمینه فرهنگسازی خواهد شد.»

آب آلوده بیماری آفرین

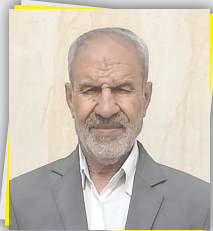


دکتر «هادی حسنلو» اولین بار است که کاروان‌های سلامت را در سیستان و بلوچستان همراهی می‌کند. حضور تیم‌های پزشکی در محروم‌ترین مناطق سیستان و بلوچستان که حالا با سیل درگیر شده‌اند را اتفاقی لازم و ضروری برای آن‌ها می‌داند و از کمبود امکانات درمانی و بهداشتی این مناطق می‌گوید: «روستاهایی که ما به آن سر می‌زنیم بسیار محروم هستند و هیچ امکانات بهداشتی و درمانی در آن وجود ندارد. به دلیل ازدواج‌های فامیلی بیماری‌های ژنتیک در این روستاها به وفور به چشم می‌خورد. از طرف دیگر استفاده از آب آلوده برای خوردن و شست و شو بیماری‌های انگلی زیادی در این منطقه شایع کرده است. افرادی که به ما مراجعه می‌کنند با نکات بهداشتی اولیه هم آشنایی ندارند و نیاز به آموزش‌های جدی دارند.» از مراجعاتی می‌گوید که بیشتر زنان و کودکان هستند و با بیماری‌های متنوعی درگیر هستند: «بیشتر از ۹۰ درصد مراجعان ما در کاروان‌های سلامت زنان و کودکان هستند و مردان حضور کم‌رنگ‌تری دارند. بیماری‌هایی که با آن روبرو هستیم به دلیل تنوع مشکلات، بیماری‌های مختلف و متنوعی هستند. مشکلات عفونی از شایع‌ترین مشکلات مردم این روستاها است.» از تغییر سبک زندگی مردم در این روستاها می‌گوید که به دلیل حضور مستمر کاروان‌های سلامت در اینجا به وجود آمده است: «من سال‌های قبل در این استان حضور نداشتم اما همه همکارانی که از سال‌های قبل در این برنامه حضور داشتند می‌گویند فرهنگ مردم برای استقبال از آموزش‌ها و توصیه‌های بهداشتی بسیار بالا رفته. پزشکان قدیمی کاروان‌های سلامت می‌گویند در سال‌های نخست حضور در این روستاها هیچ کس حتی تمایلی به ویزیت شدن و مراجعه به پزشک نداشتند و به سختی اجازه گفت و گو و معاینه به پزشکان می‌دادند. اما این بار من می‌بینم که مردم برای معاینه صف می‌کشند و از خدمات بهداشتی و درمانی اینجا استقبال می‌کنند. آموزش و توصیه‌های بهداشتی هم در این استان همین راه را طی می‌کند و بالاخره بعد از تکرار و استمرار به نتیجه دلخواه می‌رسد. یکی از نکات خوب و مثبت کاروان‌های سلامت این است که به صورت مستمر در استان سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود. درواقع افرادی که ما معاینه می‌کنیم در دوره‌های قبل توسط پزشکان دیگر ویزیت شده‌اند و بخشی از روند درمان خود را طی کرده‌اند.»

داوطلب نه‌بندانی برای کاهش تلفات

جاده‌ای گام‌های بلند برداشت

حاصل یک عمر خدمت



بیش از ۳ دهه با لباس ارتش در نقاط مختلف کشور برای حفظ امنیت و آرامش هموطنانش خدمت کرده است. بازنشستگی از ارتش اما پایان دوران خدمت سرهنگ «علی یوسفی‌پور» نبود. او همه سال‌های پس از بازنشستگی را هم برای خدمت به مردمی که به گفته خودش عاشقانه دوست‌شان دارد، پای کار بود. یوسفی‌پور برای مردم شهرش نه‌بندان نیز چهره‌ای آشناست. او ۱۰ سال در شورای حل اختلاف، دلسوزانه برای حل مشکلات مردم کمر همت بست و هنوز ذهنش از خاطرات خوش کمک به حل مشکلات مراجعه‌کنندگان پر است. داوطلب دلسوز نه‌بندانی اما هنوز همان سرزندگی و نشاط روزگار جوانی را که شهر به شهر با لباس ارتش برای امنیت و آرامش مردم خدمت می‌کرد، حفظ کرده است. او با همین روحیه داوطلبی بود که یک بار دیگر هم برای خدمت رسانی پیش‌قدم شد. اکنون قطعه‌ای زمینی که در مسیر پرترد نه‌بندان به بیرجند برای ساخت پایگاه امداد و نجات وقف کرده، از قلب رئوف و مهربانش حکایت می‌کند. وقتی از کارهای خیرش حرف می‌زنیم، لبخندی روی چهره‌اش نقش می‌بندد و با فروتنی می‌گوید: «اگر کاری هم کرده‌ام، لطف خدا بوده و من فقط توفیق اجرای آن را داشتم.» میان حرف‌هایش از وقف زمین برای ساخت پایگاه، هنوز هم می‌شود نگرانی را در چشم‌هایش دید. داوطلب مهربانی نه‌بندانی، نگران اهالی چند روستایی اطراف پایگاه است و می‌خواهد هرچه زودتر پایگاه امداد و نجات جاده‌ای در زمینی که اهدا کرده ساخته شود: «مسیر نه‌بندان به بیرجند در نزدیکی روستای مزار سیدعلی، همیشه برای اهالی روستاهای اطراف خبر ناگوار و تلخ به همراه داشته است. خودروهای سنگین بسیاری از این مسیر رفت و آمد می‌کنند و از طرفی زائران بسیاری هم برای زیارت مزار سیدعلی گذرشان به این جاده می‌افتد. متأسفانه بارها شاهد تصادف و جان باختن جمعی از هموطنان‌مان در این مسیر پرخطر بوده‌ایم. وقتی شنیدم هلال‌احمر قصد دارد با کمک امدادگران داوطلب در این جاده پایگاه بسازد، احساس مسئولیت کردم.» یوسفی‌پور اکنون با وقف زمینی به مساحت ۲۵۰ متر مربع در جاده نه‌بندان به بیرجند، قدم اول را برای ساخت پایگاه امداد و نجات جاده‌ای برداشته و امیدوار است مسئولان جمعیت هم با کمک خیران کار ساخت پایگاه را آغاز کنند. او اما پیش از اهدای زمین به هلال‌احمر، زمین دیگری را هم برای ساخت پایگاه اورژانس در اختیار مسئولان این نهاد امدادی قرار داد. خودش در اینباره می‌گوید: «در مسیر جاده، روستاهای محروم و کم‌برخوردار بسیاری قرار گرفته‌اند. روستاهایی که شغل ساکنانش کشاورزی و دامداری بود اما خشکسالی کسب و کارشان را از بین برده‌است. این روستاهای محروم اما در این سال‌ها به دلیل تصادفات جاده‌ای جوان‌های زیادی را از دست دادند. دلم می‌خواهد با همکاری امدادگران هلال‌احمر و اورژانس دیگر شاهد تلخ‌کامی این مردم نباشیم. به همین دلیل در کنار زمینی که برای ساخت پایگاه اهدا کرده‌ام، قطعه زمین دیگری را هم برای ساخت پایگاه اورژانس در اختیار مسئولان این نهاد قرار دادم تا به زودی پایگاه اورژانس هم در این جاده بازگشایی شود.»

زوج سالمند ملایری هزینه مراسم ختم‌شان را به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان اهدا کردند

لبخند بچه‌های سیل‌زده آرزوی ما است

وقتی سیل از راه رسید و خانه‌های کپری را همراه با دلخوشی اندک بچه‌های سیستان و بلوچستان با خود برد، کیلومترها دورتر از سبیل ویرانگر، دو قلب مهربان به درد آمد. زوج سالمند ملایری وقتی از رنج و درد کودکان سیل‌زده سیستان باخبر شدند، با دل دریایی خود، پس‌انداز یک عمر کار و تلاش را به لبخند بچه‌های سیل‌زده بخشیدند. «محمدرضا حاجی مرادی» و «معصومه زارعی» اگر چه با درآمد بازنشستگی روزگار می‌گذرانند برای کمک به بچه‌های سیستان دست به کار جالبی زدند. آنها تصمیم گرفتند هزینه مراسم ختم‌شان را به مردم سیل‌زده سیستان اهدا کنند تا دوستان و آشنایان‌شان هم برای کمک به خانواده‌های محروم آن دیار ترغیب شوند. در ادامه با این زوج داوطلب ملایری که برای کمک به بیماران سرطانی شهرشان هم دغدغه دارند گفتگو کردیم.



مرهم درد بیماران صعب‌العلاج

زوج ملایری از اهدای هزینه مراسم ختم‌شان هدف‌های دیگری هم دارند. حاجی مرادی و زارعی با چاپ یک اعلامیه، بستگان و دوستان‌شان را هم به این کار خیر دعوت کرده‌اند. این زوج ملایری امیدوارند اگر کسی قصد داشت برای مراسم ختم آنها گل سفارش دهد و یا برای یادبودشان مراسمی برگزار کند، به جای این کار برای کمک به سیل‌زدگان با آنها همراه شود. در بخش‌هایی از اعلامیه آنها نوشته شده: «به نام حضرت دوست که هر چه داریم از اوست. اینجانب محمدرضا حاجی مرادی فرزند کاظمعلی متولد ۱۳۲۹ در ملایر، وصیت می‌کنم که در مراسم فوت من هیچگونه اعلامیه‌ای چاپ نشده و از آوردن اعلامیه و نصب بنر و دعوت کردن فامیل خودداری شود...» حاجی‌مرادی برکه اعلامیه را نشان‌مان می‌دهد و می‌گوید: «وقتی می‌دانیم هموطنان‌مان به کمک نیاز دارند و همین مبالغ اندک هم دردی از آنها دوا می‌کند، نصب بنر و اعلامیه، برگزاری مراسم... چه ارزشی دارد.» قلب رئوف و مهربان این زوج سالمند برای بیماران صعب‌العلاج شهرشان هم می‌تپد. این زوج بازنشسته برای کمک به کودکان سرطانی ملایر هم هر ماه از حقوق بازنشستگی‌شان مبلغی کنار می‌گذارند. وقتی حرف کمک به بیماران می‌شود، حاجی‌مرادی می‌گوید: «بیماران صعب‌العلاج علاوه بر درد بیماری، هزینه‌های بسیاری متحمل می‌شوند. هزینه‌هایی که از توان بسیاری از آنها خارج است. وقتی فهمیدیم هلال‌احمر هوای بیماران را هم دارد، بی‌درنگ خواستیم که در این کار خیر سهیم شویم. توان مالی زیادی نداریم اما تصمیم گرفتیم هر ماه مبلغی از حقوق بازنشستگی‌مان را برای دارو و درمان این بیماران در اختیار هلال‌احمر قرار بدهیم.»



هزینه مراسم ختم‌مان را به سیل‌زدگان دادیم

حکایت این قصه عاشقانه که از روزهای سخت جنگ تحمیلی آغاز شد، هنوز هم ادامه دارد. اگرچه حاجی‌مرادی حالا با به سن گذاشته و جسمش شادابی روزگار جوانی را ندارد اما قلب مهربان او هنوز هم برای کمک به مردم کشورش می‌تپد. در همه این سال‌ها همسرش «معصومه زارعی» هم شانه به شانه با او همراه بوده و در همه تصمیماتش او را همراهی کرده‌است. این زوج داوطلب اما این روزها در میان سبیل کمک‌های مردمی که به سیستان و بلوچستان می‌رود، تصمیم جالبی گرفته‌اند. آنها هزینه مراسم ختم‌شان را به سیل‌زدگان و مردم روستاهای محروم سیستان و بلوچستان اهدا کرده‌اند. حرف سیستان و بلوچستان و تصمیم مشترک‌شان که می‌شود، «حاجی‌مرادی» می‌گوید: «سفرهای زیادی به سیستان و بلوچستان داشتم. با همان کامیون قدیمی برای کار بارها به روستاهای محروم سیستان سفر کردم. آن سال‌ها هنوز خشکسالی مزارع کشاورزی و دامپروری سیستان را از بین نبره بود. اگرچه آن زمان هم روستاهای سیستان محرومیت زیادی داشتند اما مهمان‌نوازی مردمش را از یاد نبرده‌ام. وقتی شنیدم خشکسالی همه دار و ندارشان را گرفته و امسال سیل هم خسارت زیادی به آنها وارد کرده دیگر نتوانستم تحمل کنم.» حرف‌ها که به اینجا می‌رسد، «زارعی» می‌گوید: «همسرم تصمیمش را با من در میان گذاشت. گفت می‌خواهد هزینه مراسم ختم‌مان را صرف کمک به سیل‌زدگان سیستان کنیم. به پس‌اندازمان نگاه کردیم. مبلغ زیادی نبود ولی آن را برای مراسم ختم کنار گذاشته بودیم. با خودمان گفتیم بهتر است این پول به جای آن در مراسم ختم ما هزینه شود، به غذای سر سفره مردم سیل‌زده و یا یک اسباب بازی کوچک برای بچه‌های سیستان تبدیل شود.» حاجی مرادی هم می‌گوید: «می‌دانستیم هلال‌احمر به روستاهای محروم سیستان کمک‌های زیادی کرده است. برای همین یک روز به هلال‌احمر ملایر رفتیم و هزینه مراسم ختم را برای کمک به سیل‌زدگان اهدا کردیم. می‌دانیم همین کمک اندک ما هم باعث خنده و شادی بچه‌های روستای سیل‌زده می‌شود.»

مسافر جاده‌های جنوبی

روحیه داوطلبی و ماجرای کمک به مردمی که زندگی روی سختش را به آنها نشان داده، برای داوطلب با به سن گذاشته ملایری، قصه امروز و دیروز نیست. او از همان سال‌های جوانی، روزگاری که جنگ سایه سیاهش را روی روستاها و شهرهای جنوب کشور پهن کرده بود، برای کمک به مردم جنگ‌زده و رزمندگانی که برای دفاع از مرزهای کشور به پا خاستند، داوطلب شد. حرف امداد رسانی و کمک به افشار آسیب‌دیده که می‌شود، روزهای پراشتاب جنگ تحمیلی دوباره پیش چشم‌های «محمدرضا حاجی‌مرادی» جان می‌گیرد. همان روزها که کار و کاسبی‌اش را رها می‌کرد تا در کنار جنگ‌زدگان و رزمندگان باشد: «بیشتر از سه دهه شغل رانندگی بود و بازنشسته سازمان تامین اجتماعی هستم. مثل همه رانندگان ماشین سنگین که عمر و زندگی‌شان در جاده می‌گذرد، من هم برای رزق حلال ماشینم را پر از بار می‌کردم و به دل جاده می‌زدم. وقتی جنگ شد و رژیم بعث خواست به مرزهای ما تجاوز کند، دیگر طاقت نیاوردم. مردم کمک‌های‌شان را برای ارسال به جبهه‌ها آماده می‌کردند اما باید کسی این کمک‌ها را به دست رزمندگان و مردم جنگ‌زده می‌رساند. آن روزها من و برادرم هم مثل دیگر مردم دلسوز کشور، پای کار آمدیم. کمک‌های مردمی ملایری‌ها را بار کامیون می‌کردیم و راهی مناطق جنگ‌زده می‌شدیم تا رزمندگان و هموطنان جنوبی‌مان احساس تنهایی نکنند.» حاجی مرادی مکتبی می‌کند و ادامه می‌دهد: «تازه جنگ شروع شده بود. یک روز کامیون را با غذاهای دستپخت زنان ملایری و کیسه‌های آردی که مردم اهدا کرده بودند، پر کردیم و راهی جنوب شدیم. وقتی کیسه‌های آرد را خالی می‌کردیم، حادثه بدی رخ داد و دست برادرم دچار سوختگی شدید شد. اما با این وجود از هدفش دست نکشید. وقتی عشق و علاقه او و مردان و زنان شهرم را برای امداد رسانی به هموطنان می‌دیدم، انگیزه‌ام برای ادامه کار بیشتر می‌شد.»

اجاره‌نشینند اما دلشان دریاست

«مازیار کرمی» مسئول واحد داوطلبان جمعیت هلال‌احمر شهرستان ملایر درباره اقدام خداپسندانه این زوج سالمند می‌گوید: «کار خیر این زوج داوطلب، نمونه‌ای از همراهی دلسوزانه و فداکارانه داوطلبان ملایر با سیل‌زدگان و مردم محروم سیستان و بلوچستان است. آنها با وجود اینکه هنوز در منزل اجاره‌ای زندگی می‌کنند، وقتی از مشکلات مردم سیستان باخبر شدند برای کمک به سیل‌زدگان قدم پیش گذاشتند. حرف‌شان این بود که روزی را خداوند می‌دهد و حالا که مردم سیستان سقف بالایی سر ندارند، آنها برای کمک به این مردم محروم مسئولند. همین مناعت طبع و قیل رئوف آنها باعث اعتماد بیشتر مردم به هلال‌احمر و همراه شدن طیف بیشتری از داوطلبان شهر با محرومان می‌شود.»



به یاد ابراهیم

امدادگران
دشتستانی در
سالگرد فوت
«ابراهیم بنافی»
امدادگر محبوب شهر
از فداکاری‌های او
می‌گویند



سیزدهمین روز از بهمن سال ۱۳۹۴، خبری از سانحه و عملیات امدادی نبود. امدادگران پایگاه دریاقلی دشتستان مثل هر روز مشغول انجام کارهای روزمره پایگاه بودند. «ابراهیم» پس از اقامه نماز ظهر برای استراحت به خوابگاه رفت تا در صورت اعزام به عملیات امدادی مثل همیشه آماده باشد. ابراهیم روی تخت فلزی‌اش به خواب رفت، خوابی ابدی که اگرچه آن روز تلخ را برای همیشه در ذهن امدادگران دشتستان ماندگار کرد، اما هیچگاه نتوانست یاد و خاطره فداکاری‌ها و دلسوزی‌های مثال‌زدنی‌اش را از ذهن نجاتگران این شهر پاک کند. حمله قلبی، تلاش امدادگران پایگاه برای احیا، انتقال به بیمارستان شهر و پایان یک عمر امداد و نجات، اگرچه او را از خانواده امداد و نجات دشتستان گرفت، اما آقا ابراهیم انگار هنوز هم با خاطره امدادسانی در زلزله، کمک به خانواده‌های محروم روستایی و لبخندهای ماندگارشان در ذهن نجاتگران دشتستان زنده‌است. این صفحه یادمانی است برای امدادگری که منبع الهام بسیاری از نجاتگران جوان این شهر بود و کلاس درسش هنوز هم در دل اعضای خانواده امداد و نجات دشتستان برپاست.

مصدوم شد اما دلش پیش مصدومان بود

«با وجود اینکه پست سازمانی آقا ابراهیم نجاتگراونده بود، اما همیشه زودتر از امدادگرانی که با آمبولانس به صحنه حادثه می‌رساند، بر بالین مصدوم حاضر می‌شد.» این را «جعفر نشاط‌خو» عضو تیم واکنش سریع استان بوشهر می‌گوید. کسی که بیش از یک دهه با ابراهیم بنافی در عملیات‌های امدادی همراه بود و به گفته خودش درس‌های بسیاری از شوق و علاقه آقا ابراهیم به امدادسانی یاد گرفته‌است. نام ابراهیم، خاطرات بسیاری را برایش تداعی می‌کند. از همراه شدن با اعضای سازمان جوانان برای برپایی ایستگاه صلواتی تا حضور در اردوها و مسابقات کشوری حوزه امداد و نجات که هیچگاه فراموش‌شدنی نیست. نشاط‌خو اما از ماجرای مصدومیت آقا ابراهیم در یک عملیات امدادسانی برای‌مان می‌گوید؛ حادثه‌ای که اگرچه باعث آسیب دیدگی او شد اما نتوانست جلوی شوق و علاقه‌اش به امدادسانی را بگیرد: «خبر رسید که یک خودروی سواری در گردنه‌های جاده کنارتخته به عمق دره سقوط کرده‌است. تیم پایگاه بلافاصله برای نجات تنها سرنشین خودروی سواری به محله حادثه اعزام شد. مثل همیشه وقتی همه ما امدادگران مشغول برداشتن تجهیزات لازم بودیم، آقا ابراهیم که ما را به محله سانحه رسانده بود، کیف کمک‌های اولیه‌اش را برداشت و زودتر از دره پایین رفت. از آنجایی که احتمال نشت بنزین و آتش گرفتن خودرو وجود داشت، باید سریع‌تر به خودرو می‌رسیدیم. آقا ابراهیم را دیدیم که برای جلوگیری از این اتفاق از یک مسیر پرخطر پایین می‌رود. متأسفانه پایش روی یک تخته سنگ لغزید و چند متری به پایین سقوط کرد. دو نفری از بچه‌ها بلافاصله مسیرشان را تغییر دادند تا به کمک آقا ابراهیم بروند.» نشاط‌خو مکثی می‌کند و ادامه می‌دهد: «از همان فاصله دیدیم که یک سمت بندش دچار خونریزی فعال شده اما او از همانجا به اعضای تیم اشاره کرده کسی سراغ او نیاید. گفت به آن خودرو و سرنشینش رسیدگی کنید. خودش کار پانسمان و خودامدادی را انجام داد و در کمال ناباوری دیدیم چند دقیقه بعد برای رهاسازی مصدوم دوباره به ما ملحق شده. میل و اشتیاقش به امدادسانی همان درس بزرگی بود که در همه این سال‌ها به ما امدادگران جوان‌تر یاد داد.»



زندگی‌ام را مديون آقا ابراهیم هستم

وقتی به عنوان یک امدادگر جوان وارد جمعیت شد، اولین شیفت کاری‌اش را در پایگاه بین‌جاده‌ای دریاقلی با ابراهیم بنافی گذراند. حسن مشتانی هم مثل همه امدادگران تازه‌کار پایگاه، در عملیات‌های امدادی از تجربیات ابراهیم بنافی استفاده کرد و حوادث بسیاری را از زلزله شنبه تا عملیات‌های جاده‌ای در کنار او بود. ابراهیم اما برای مشتانی و دیگر امدادگران جوان دشتستان در حکم بردار بزرگ‌تر و پدری مهربان و دلسوز بود. مشتانی می‌گوید: «هر کدام از ما اگر مشکلی داشتیم، سراغ آقا ابراهیم می‌رفتیم. مثل یک مشاور دانا، بردار بزرگ‌تر و پدری دلسوز پای درد و دل ما می‌نشست و همیشه راهکاری برای حل مشکلات مالی، خانوادگی و... بچه‌های پایگاه داشت. این روحیه پدرانۀ او را حتی در صحنه‌های عملیات هم احساس می‌کردیم. آقا ابراهیم از تجربه‌اش برای سلامتی و ایمنی امدادگران جوان استفاده می‌کرد.» حرف‌ها که به اینجا می‌رسد، مشتانی خاطره‌ای از عملیات امدادسانی به زلزله‌زدگان شنبه را برای‌مان تعریف می‌کند: «اگر هنوز هم در کنار دیگر امدادگران پایگاه به عملیات اعزام می‌شوم و از سال ۹۳ تا به امروز در ده‌ها عملیات امدادی حضور داشته‌ام از مهربانی و تجربه بالای آقا ابراهیم است. وقتی خبر رسید، زلزله خسارت فراوانی به شهرستان شنبه وارد کرده، همراه با دیگر نیروهای امدادی استان به منطقه اعزام شدیم. خانه‌های زیادی تخریب شده و پیکرهای بسیاری زیرآوار مانده بود. کار آوری‌داری شروع شده بود. به خانه‌ای رسیدیم که بخش زیادی از آن تخریب شده و احتمال می‌رفت افرادی زیرآوار مانده باشند. من هنوز تازه‌کار بودم و تجربه زیادی نداشتم. اولین تجربه حضور در زلزله بود. بی‌توجه به استحکام دیوارها و سقف خانه، بی‌مهیا و بدون بررسی اولیه وارد خانه شدم. هنوز قدم دوم را برنداشته بودم که ناگهان نیروی از پشت سر ما از داخل خانه بیرون کشید. صدایی مهیب بلند شد و گرد و غبار همه جا را فرا گرفت.» مشتانی مکثی می‌کند و ادامه می‌دهد: «آقا ابراهیم تجربه امدادسانی در زلزله بهم، اهر و... را داشت. وقتی دیدم بدون توجه به استحکام بنا وارد خانه می‌شوم، مسیر زیادی را با سرعت دویدم و با به خطر انداختن جانم، جان من را نجات داد. وقتی به خودم آمدم دیدم ساختمان به طور کامل فرو ریخته و من لحظه‌ای تا مرگ حتمی فاصله داشتم. آقا ابراهیم آن روز هم به عنوان نجاتگراونده مصدومان را به بیمارستان بوشهر می‌رساند و هم تا پایان عملیات شانه به شانه دیگر امدادگران در صحنه امدادسانی و آواربرداری حضور داشت.»

ماجرای آن شب سرد زمستانی

وقتی نام «ابراهیم بنافی» را می‌شنود، به یاد همه لبخندها و خوش‌اخلاقی‌های رفیق سفر کرده‌اش بی‌اختیار لبخند می‌زند. برای «حسین نوروزی» که عملیات‌های بسیاری را شانه به شانه دوست قدیمی‌اش تجربه کرده بود، نام ابراهیم یادآور همه آن خاطرات امدادی تلخ و شیرین است؛ خاطره‌هایی که هربار با حضور در صحنه حادثه در ذهنش مرور شده و جان دوباره می‌گیرند. نوروزی که اکنون کارمند حوزه امداد و نجات شهرستان دشتستان است، سال ۱۳۸۲ با ابراهیم بنافی در پایگاه امداد و نجات جاده‌ای دالیکی آشنا شد و هر دو عملیات‌های امدادی متعددی را هم در کنار یکدیگر تجربه کردند. نوروزی می‌گوید: «ابراهیم همیشه لبخند به لب داشت و با خوشرویی مثال‌زدنی‌اش محبوب همه امدادگران پایگاه بود. علاوه بر مسئولیتش به عنوان نجاتگراونده، برای امدادگران پایگاه کلاس آموزشی تعمیر و نگهداری خودرو برگزار می‌کرد. بسیار مسئولیت‌پذیر بود و می‌خواست همه امدادگران هم برای نگهداری تجهیزات پایگاه مسئولیت‌پذیر باشند.» نوروزی اما از خودگذشتگی را خصلت بارز ابراهیم می‌داند. او ماجرای یک عملیات امدادی دشوار، در یک شب سرد زمستانی را برای‌مان تعریف می‌کند: «وقتی عملیات به مرحله نجات مصدوم می‌رسید، دیگر هیچ چیز به جز سلامتی مصدوم برایش مهم نبود. در یکی از آخرین عملیات‌های مشترک‌مان به صحنه واژگونی یک خودروی سواری در نزدیکی پایگاه دالیکی اعزام شدیم. زمستان بود و باران بی‌وقفه می‌بارید. با هم از شانه خاکی جاده پایین رفتیم و به زحمت مصدوم را از میان آهن‌پاره‌های خودرو رهاسازی کردیم. لباس مصدوم در اثر تصادف پاره شده و مدتی هم زیرباران سرد زمستانی مانده بود. ابراهیم تا چشمش به این صحنه افتاد، پادش رفت خودش سرماخورد. بارانی‌اش را از تن درآورد و به مصدوم داد.»



نجات غریق از رودخانه خروشان

ابراهیم بنافی یک پای ثابت عملیات‌های امدادی دشتستان بود؛ از حضور در مناطق محروم برای برپایی کاروان سلامت و کمک به خانواده‌های نیازمند روستایی تا مسئولیت امدادسانی به مصدومان حوادث مختلف. همین موضوع هم زمینه‌ساز دوستی دیرینه «حمید کشفی» مسئول امداد و نجات شهرستان دشتستان با ابراهیم و شکل‌گیری خاطرات مشترک بسیاری میان آنها شد. وقتی حرف ابراهیم بنافی می‌شود، کشفی از شجاعت و پیش‌قدم بودن او در امدادسانی به حادثه‌دیدگان خاطرات بسیاری برای تعریف کردن دارد. او ماجرای عملیات امدادسانی در رودخانه دریاقلی را برای‌مان می‌گوید: «با وجود اینکه رودخانه دریاقلی دشتستان، به دلیل آب خروشان در برخی نقاط یک تهدید جدی برای شناگران محسوب می‌شود، اما متأسفانه برخی بی‌توجه به هشدارها به دل رودخانه می‌زنند. در یکی از آخرین عملیات‌ها خبر رسید یک نفر در این رودخانه غرق شده است. امدادگران با کمک شناگران محلی مشغول جستجو در منطقه بودند تا پیکر فرد غرق شده را پیدا کنند. در همین لحظات بود که اعضای خانواده غریق از راه رسیدند و یکی از آنها به دلیل فشار روانی شدید، بی‌توجه به هشدار امدادگران به دل آب زد. جریان تند آب اما داشت او را هم با خود کام مرگ می‌کشاند. اگرچه منطقه با حضور جمعیت شلوغ شده بود، اما از میان همه افراد حاضر در صحنه این آقا ابراهیم بود که در کمترین زمان ممکن خودش را فرد در حال غرق شدن رساند. با توجه به ابزار و تجهیزاتی که به همراه داشت از تجربیات فراوانش استفاده کرد و در چشم برهم زدن غریق را از آب بیرون کشید. آمادگی ذهنی کامل و پیش‌قدم بودنش در همه حوادث از او یک امدادگر نمونه ساخته بود.»

اگر راست گفته باشند من مسئولم

خاطره مهربانی‌ها و دلسوزی‌های ابراهیم بنافی هنوز هم میان امدادگران و اعضای خانواده هلال‌احمر دشتستان دهان به دهان می‌چرخد و نقشه راه امدادگران جوان این شهر می‌شود. امدادگری که به معنای واقعی کلمه، خودش را وقف خدمت به مردم کرده و سال‌های فعالیتش در پایگاه‌های جاده‌ای دشتستان به کلاس درسی برای امدادگران تبدیل شده بود. حمید کشفی خاطره دیگری از نمانعت طبع و مهربانی این امدادگر فقید برای‌مان تعریف می‌کند: «امداد و نجات برای ابراهیم بنافی تنها به حضور در سوانح و حوادث محدود نمی‌شد. او در سال‌های فعالیتش از هیچ کمکی به مردم دریغ نکرد. یک روز زوج جوانی به پایگاه دالیکی آمدند. اهل شیراز بودند و در مسیر برگشت از گناوه به شیراز مشکلی برای‌شان پیش آمده بودند. کیف پول‌شان در گناوه گم شده بود و برای برگشت به شیراز پول نداشتند. سوخت خودروی‌شان تمام شده بود و به زحمت خودشان را به پایگاه رساندند. وقتی ماجرا را برای آقا ابراهیم تعریف کردند، بی‌درنگ هزینه سوخت خودرو را به آنها داد و حتی مبلغی هم برای ادامه سفر در اختیارشان قرار داد. گفت به من به آنها اعتماد می‌کنم. اگر آن زوج راست گفته و من از کمک کردن به آنها دریغ کرده باشم، آنوقت دربرابر آنها مسئولم.

مهربانی، محصول آن باغ پربرکت بود

اگرچه ابراهیم بنافی در میان امدادگران و نجاتگران دشتستان به واسطه حضور در عملیات‌های امدادی و توانایی و مهارتش در امداد و نجات چهره‌اش شناخته شده بود اما قلب مهربان و رتوشش نیز منبع الهام بسیاری از امدادگران دشتستانی بود. آنها خاطرات بسیاری از کمک‌های گاه و بیگاهش به خانواده‌های محروم روستایی و کودکان زلزله‌زده دارند. جعفر نشاط‌خو می‌گوید: «آقا ابراهیم یک باغ خرما داشت و زندگی‌اش را از این راه می‌گذراند. باغ خرمایی که البته محصولاتش همیشه در عملیات‌ها و حوادث کوچک بزرگ برای کمک به آسیب‌دیدگان هزینه می‌شد. وقتی به عنوان نجاتگراونده امدادگران دشتستان را همراه با کامیونی پر از اقلام امدادی به روستاهای زلزله‌زده ورزقان رساند، بار خرمای باغش را هم آورده بود. فراتر از مسئولیتش به عنوان راننده، برای زلزله‌زدگان چادر برپا می‌کرد و در توزیع اقلام امدادی هم کمک‌حال ما بود. او را می‌دیدیم که میان چادرها خرما توزیع می‌کند و با بچه‌های زلزله‌زده روستا همبازی می‌شود تا غم و اندوه از دست‌دادن خانه و زندگی‌شان را فراموش کنند.»

ورزشکاران امدادگر هلالی از طعم شیرین نجات جان مصدومان می‌گویند

از سکوی قهرمانی تادل حادثه

تقویت جسم، مبارزه در میدان مسابقه و ایستادن روی سکوهای قهرمانی را برای بیشتر عشق ورزیدن بهانه کرده‌اند. تنها برای به گردن آویختن مدال نیست که سختی تمرینات دشوار و طاقت فرسا را به جان می‌خرند. می‌گویند اگر قوای جسمانی‌شان تقویت شود نه تنها روی سکوی قهرمانی مسابقات می‌ایستند، بلکه مدال طلای انسان‌دوستی را هم در صحنه حادثه و امدادرسانی به مصدوم به گردن می‌آورند. یکی حاصل سال‌ها تجربه در ورزش‌های مختلف را آورده تا در روزهای سخت حادثه در کنار آسیب‌دیدگان باشد و دیگری هم باشگاه ورزشی کوچکش را به محلی برای آموزش کمک‌های اولیه به ورزشکاران نوجوان و جوان شهرش تبدیل کرده است. در ادامه با ورزشکاران امدادگری که علاوه بر افتخار آفرینی در ورزش، در عرصه امداد و نجات هم بدون هیچ منتی در کنار حادثه دیدگان بوده‌اند گفت و گو کردیم.

هر بوکسور یک امدادگر

باشگاه ورزشی کوچکش در بشرویه، خانه امید و آرزوی نوجوان‌های علاقمند به ورزش کیک بوکس است. جایی که علاقمندان به این ورزش رزمی، آرزوهای‌شان را برای ایستادن روی سکوهای قهرمانی دنبال می‌کنند. «سعید ساعی» اگرچه تنها ۲۹ سال دارد اما تجربه قهرمانی‌های متعدّدش در این رشته ورزشی را آورده تا به نوجوان‌های شهرش برای رسیدن به رویای قهرمانی کمک کند. ساعی از مقام‌های قهرمانی‌اش در کیک بوکس می‌گوید: «در رشته کنگ‌فو و کیک‌بوکس را به صورت همزمان شروع کردم. آن روزها در بشرویه هیچ باشگاه تخصصی برای کیک‌بوکس وجود نداشت اما من تمریناتم را با کمک مربیان رشته‌های رزمی دیگر ادامه دادم و توانستم ۹ مقام قهرمانی استانی در رشته کیک‌بوکس و کنگ‌فو کسب کنم.» ساعی از انگیزه‌هایش برای راه‌اندازی باشگاه کیک‌بوکس می‌گوید: «در بشرویه

هیچ باشگاه تخصصی کیک‌بوکس وجود نداشت و من با زحمت بسیار فنون این رشته رزمی را یاد گرفتم، همین مسئله باعث شد، برای استعدادیابی در این رشته ورزشی، یک باشگاه کوچک تاسیس کنم تا نوجوان‌های علاقمند شهرم راحت‌تر به آروزی‌شان برسند.» ساعی از نوجوان‌های بالاستعدادی که توان مالی ندارند، هیچ هزینه‌ای نمی‌گیرد تا آنها هم شانه به شانه دیگر ورزشکاران آرزوهای‌شان را دنبال کنند. اما در باشگاه کوچک سعید ساعی، آموزش کمک‌های اولیه هم در اولویت قرار دارد. خودش می‌گوید: «من یک امدادگرم و سال‌هاست که به عنوان مربی طرح دادرس به دانش‌آموزان شهر کمک‌های اولیه آموزش می‌دهم. در باشگاه هم همه ورزشکاران را با کمک‌های اولیه آشنا می‌کنم تا در صورت لزوم آنها هم به عنوان یک امدادگر به ورزشکاران آسیب‌دیده و یا مردم شهر کمک کنند.»



۲۹ سال
سعید ساعی
سابقه: ۱۲ سال



۲۵ سال
بهروز رحیمی
پاکدامن
سابقه: ۱۱ سال



امدادرسانی در مراسم تشییع سردار دلها

پاکدامن علاوه بر موفقیت‌های متعدد ورزشی، به عنوان یکی از اعضای تیم واکنش سریع استان کرمان، در عملیات‌های امدادی متعددی حضور داشته است؛ از پوشش عملیات‌های کوهستان و جاده‌ای تا حضور در حوادثی چون زلزله بستک، سیل رودبار جنوب و خوزستان. ورزشکار و امدادگر جوان کرمانی اما از میان همه خاطرات امدادی‌اش، ماجرای نجات افراد بسیاری را در مراسم تشییع پیکر شهید حاج قاسم سلیمانی در کرمان برای‌مان تعریف می‌کند: «آن روز جمعیت زیادی در برای وداع با حاج قاسم سلیمانی به خیابان‌های کرمان آمدند. عاشقان بسیاری که خود را از استان‌های اطراف به کرمان رسانده بودند تا در مراسم تدفین سردار دل‌ها شرکت کنند. وقتی آن سانه تلخ در سیل جمعیت رخ داد، فاصله زیادی با خیابان محل وقوع حادثه نداشتیم. ۵ دقیقه طول کشید تا خودمان را از میان جمیعت به محل حادثه برسانیم. لحظات دردناکی بود. نهادهای امدادی دیگر مثل آتش‌نشانی و اورژانس هم به محل حادثه رسیده بودند. تعدادی از مصدومان را به مدرسه‌ای که در نزدیکی محل سانحه بود منتقل کردیم. در اثر فشار جمعیت، برخی از مصدومان دچار شکستگی قفسه سینه شده بودند و امکان CPR وجود نداشت. با این وجود، از تجربه حادث گذشته بهره گرفتیم و با وجود شرایط احساسی بدی که وجود داشت، کار امدادرسانی را شروع کردیم. با آمبو و اکسیژن رسانی توانستیم ۱۰ نفری از مصدومان را احیا کنیم و با کمک اورژانس به درمانگاه برسانیم. لحظات آخر امدادرسانی بود که یک پیرمرد با چشم‌های پر از اشک سراغ من آمد. پاهایش از شوک و اضطراب توان راه رفتن نداشت. به یک زن میانسال که فرزند خواهرش بود اشاره می‌کرد. زن، هوشیاری نداشت و ما هم تصور نمی‌کردیم به زندگی برگردد. اما با اقداماتی که انجام دادیم، ناباورانه به زندگی برگشت. آن لحظه همه ما از شوق پا به پای پیرمرد اشک ریختم.»



مدال طلا، تقدیم به سردار شهید



امیرحسین
معین‌الدینی
سن: ۱۵
سابقه:
۶ سال



که امسال با حضور ورزشکارانی از ۲۵ کشور برگزار شد. خوشبختانه با هدایت مربیان روی سکوی قهرمانی رده سنی نوجوانان ایستادم.» مدال طلای مسابقات بسفر اما برای امیرحسین مدالی متفاوت بود. قهرمانی‌اش در این مسابقات با شهادت حاج قاسم سلیمانی همزمان شد و امیرحسین نیز مدالی را که چند ماه برای به گردن آویختنش تلاش کرده بود، به سردار دلها تقدیم کرد. خودش دراینباره می‌گوید: «سردار یکی از شخصیت‌های مورد علاقه من بود و وقتی خبر شهادت او را شنیدم، حال روحی خوبی نداشتم. با این وجود، تصمیم گرفتم همه تلاشم را برای کسب مدال طلا انجام دهم تا این مدال را به روح سردار دلها تقدیم کنم. می‌خواستم پرچم کشورم در آن روزهای حساس به اهتزاز در بیاید. آن قهرمانی، متفاوت ترین قهرمانی‌ام بود و من هم پس از مسابقات مدال طلا را به سردار تقدیم کردم.»

قهرمانی کیوکوشین کاراته و شوتوکان کاراته کشور در رده سنی نونهالان را در کارنامه‌اش دارد و در رده سنی نوجوانان هم نایب قهرمان کشور در رشته شوتوکان کاراته شده است. «امیرحسین معین‌الدینی» در خانواده‌اش الگوهای زیادی برای موفقیت در ورزش رزمی داشته است. خواهرش هم در رشته کاراته و در سبک‌های کیوکوشین و شوتوکان قهرمان نوجوانان کشور شده و خودش می‌گوید حضور در جلسات تمرینی پدرش که از ورزشکاران باسابقه کنگ‌فو کرمان است، علاقه به ورزش‌های رزمی را در او پرورانده است. امیرحسین اما به تازگی از مسابقات بین‌المللی «بسفر» ترکیه دست پر برگشته است. مسابقات معتبری که او توانست خوش‌رنگ ترین مدال آن را کسب کند: «در این مسابقات به عنوان نماینده ایران در رشته کاتا شرکت کردم. مسابقات بین‌المللی بسفر از مسابقات بین‌المللی معتبر جهانی است

همواره در کمین امدادگران

چگونه اختلال استرس پس از سانحه را شناسایی و آن را درمان کنیم



در بحرانی‌ترین لحظات وقوع زلزله میسر آوار خانه‌های فروریخته به فکر امدادسانی به بازماندگان بوده‌اند. برای پدری که زلزله، فرزندانش را، همه دار و ندارش را از او گرفته سنگ صبور شده‌اند. در جاده‌های پریپچ و خم و گردنه‌های برف‌گیر جاده‌های کوهستانی، خطر را به جان خریده‌اند تا جان حادثه‌دیدگان را نجات دهند. امدادگران و نجاتگران فداکاری که بدون هیچ چشم‌داشتی به دل حادثه می‌زنند تا مصدومان حوادث و بلایای طبیعی از دامی که حادثه برای‌شان پهن کرده نجات پیدا کنند. اما این فرشتگان نجات در حوادث و بلایای طبیعی، در صحنه یک تصادف جاده‌ای و یا هنگام حمایت روانی از افراد حادثه دیده که عزیزان خود را از دست داده‌اند، با مشکلات متعددی روبرو می‌شوند. گاهی یک تصادف دلخراش، گریه‌های بی‌امان مردی که فرزندانش را از زلزله از دست داده و یا روبرو شدن با فضای غم‌انگیز یک شهر زلزله‌زده، آلام سنگین روحی برای‌شان ایجاد می‌کند که حتی پس از گذشت چند سال نیز فراموش شدنی نیست. «اختلال استرس پس از سانحه» یا Post traumatic Stress Disorder (PTSD) به عنوان یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی همواره در کمین امدادگران است. در شماره قبل، خاطرات دردناک چند امدادگر را در مواجهه با صحنه‌های دلخراش شنیدیم. خاطرات و تجربه‌های دردناکی که احتمال ایجاد اختلال استرس پس از سانحه را در آنها افزایش داده بود. در ادامه «دکتر علیرضا عیوضی» مدرس دانشگاه علمی و کاربردی هلال‌احمر، روانشناس و متخصص اعصاب و روان، از روش‌های شناسایی و درمان این اختلال می‌گوید.

اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را بشناسیم

PTSD اختلالی طولانی از واقعه‌ای دردناک است

این اختلال به وسیله ترس‌های شدید، درماندگی و یا وحشت‌هایی چون تهدید جسمی، مرگ غیر منتظره یکی از افراد مورد علاقه، تصادف، جنگ و یا بلایای طبیعی به وجود می‌آید.

این اختلال در اثر حوادث و رویدادهایی ایجاد می‌شود که فشار روانی آن فراتر از طاقت و ظرفیت روانی فرد است.

PTSD باعث فروپاشی سلامت روانی شخص می‌شود.

حوادثی مثل سیل، زلزله، جنگ و از دست دادن نزدیکان در تصادفات رانندگی، تجاوز جنسی و هر رفتار خشونت بار و وحشیانه، دیگر از جمله این وقایع است.

مهمترین ویژگی این اختلال، اضطراب دائمی و گوش به زنگی بیش از حد، افسردگی و تجربه مجدد حادثه (reexperience) در خواب و بیداری است.

اختلالات شایع روانشناختی و رفتاری بعد از حوادث

۱ اختلال استرس حاد

۲ اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)

۳ افسردگی (اختلالات خلقی)

۴ اختلالات اضطرابی

۵ اختلال خواب

۶ شکایات متعدد جسمی (اختلالات سایکوسوماتیک)

۷ سوء مصرف مواد

۸ هراس یا فوبیا

۹ وابستگی مرضی

۹ عدم کنترل تکانه (پرخاشگری و...)



علت‌های ایجاد اختلال استرس پس از سانحه

۳

تجربه مستقیم حادثه تجربه سانحه توسط نزدیکان (در خانواده یا دوستان بسیار نزدیک)

۴

مشاهده دائمی جزئیات سانحه (مستقیم و غیر مستقیم از طریق رسانه‌ها و فیلم‌ها)

۲

مشاهده مستقیم حادثه

چرا دچار علائم اختلال استرس پس از سانحه می‌شویم

حوادث ناگوار و فراتر از ظرفیت روانی فرد، این احساس را که زندگی زیبا و تا حد معقولی ایمن است را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

یک حادثه ناگوار بطور واضحی به ما یادآوری می‌کند که مرگ بسیار به ما نزدیک بوده و ما ممکن است در هر لحظه ای فوت کنیم.

علائم PTSD قسمتی از یک واکنش طبیعی به یک حادثه بالقوه مرگ آور است.

این اختلال به شرایطی که تجربه روانی در آن رخ داده (به‌طور مثال، تنها بوده و یا حمایت دوستان و نزدیکان را در زمان وقوع حادثه داشته است) و قوت و ضعف ساختار روانی فرد بستگی دارد.

الزاماً همه افرادی که فشارهای روانی شدید و استرس‌های ذکر شده را تجربه می‌کنند، گرفتار این نوع اختلال نمی‌شوند

۳ نکته مهم در مورد PTSD

- ترس و وحشت زیاد در اثر تجربه حادثه
- احساس درماندگی و ناتوانی در مواجهه با آن حادثه
- عدم تجربه کافی در مواجهه با حوادث مشابه
- عدم آموزش کافی جهت مواجهه با حوادث

شرط‌هایی که احتمال بروز PTSD را افزایش می‌دهد:

معیارهای رایج برای تشخیص PTSD

- است. این احساس منجر به مشکلات خواب و فقدان تمرکز می‌شود.
- علائم و نشانه‌ها بیش از یک ماه طول می‌کشند.
- علائم و نشانه‌های اختلال، باعث ایجاد مشکل در انجام امورات روزانه فرد و استرس قابل توجه او می‌شوند.
- همه ما در مقطعی از زندگی چنین تجربه‌ای را از سر می‌گذرانیم. به‌مرور زمان یاد می‌گیریم که چطور این حوادث و اتفاقات را مدیریت کنیم.

- فرد دارای تجربه سانحه‌ای توأم با مرگ یا جراحت جدی است یا مورد تهدید مرگ و جراحت قرار گرفته است.
- فرد در مواجهه با سانحه دچار ترس، شوک، وحشت و احساس بی‌پناهی شده است.
- فرد عامدانه از موقعیت‌ها و چیزهایی که یادآور سانحه هستند، پرهیز می‌کند.
- فرد از نظر احساسی کرخت و بی‌حس می‌شود.
- فرد مدام احساس می‌کند که در معرض خطر وقوع سانحه

علائم و نشانه‌های (PTSD)

- بی‌خوابی (مشکل در شروع و تداوم خواب)
- کابوس‌های وحشتناک در مورد حادثه
- ترس و پرهیز از صحبت درباره حادثه
- پرهیز از چیزهایی که یادآور حادثه است
- گوشه‌گیری و انزواطلبی و دوری از جمع
- فراموش کردن برخی از ابعاد حادثه
- احساس رخوت و بی‌قراری روانی
- افکار ترسناک
- تقرق و لرزش بدنی
- کاهش میل و علاقه به زندگی
- مشکل در تمرکز و فراموشی (مشکلات شناختی)
- کج خلقی و زودرنجی
- تحریک‌پذیری و عدم کنترل خشم
- گوش به زنگ بودن
- احساس وقوع مجدد حادثه
- احساس گناه شدید (احساس مقصر بودن)
- به‌هم خوردن روابط عاطفی
- وقوع انواع فوبیا (ترس و هراس)
- اختلالات اضطراب
- افسردگی شدید
- انواع دردهای بدنی (سردرد، مشکلات گوارشی، درد قفسه سینه، سرگیجه و...)

نکته:

این نشانه‌ها در طول چند روز یا چند هفته اول پس از حادثه بروز کرده و در برخی از افراد برای مدتی طولانی باقی می‌مانند و حتی در گذر زمان بدتر نیز می‌شود. نکته: احتمال آلوده شدن افراد آسیب دیده به مواد مخدر، محرک و الکل بیشتر است. بنابراین باید به شناسایی و درمان زود هنگام این افراد توجه شود.

درمان اختلال استرس پس از سانحه

- اصولا درمان اختلال استرس پس از سانحه درمانی پیچیده بوده و نیاز به مداخلات تخصصی دارد
- درمان بر اساس خصوصیات فردی، میزان آسیب، سن، جنس، مدت آسیب و بسیاری از فاکتورهای دیگر متفاوت است.
- درمان PTSD ممکن است شامل روان درمانی (نوعی از مشاوره)، دارو درمانی و یا هر دو باشد.

درمان مواجهه سازی

- فرد در آن تجارب فاجعه آمیز را مجدداً برای خود یادآوری می‌کند.
- این درمان، به فرد در مواجهه‌شدن با ترس‌هایش کمک می‌کند و به تدریج باعث می‌شود در شرایطی که قبلاً ترس آور بوده، احساس راحتی کند.
- این موضوع در درمان PTSD بسیار موفقیت آمیز بوده است.

درمان روانکاوی: بر روی تعارضات هیجانی مربوط به حادثه فاجعه آمیز و درمان آنها متمرکز است.

خانواده درمانی: ممکن است به دلیل اینکه رفتار فرد می‌تواند بر روی سایر اعضای خانواده نیز تأثیر بگذارد مورد استفاده قرار گیرد.

گروه درمانی: ممکن است به این دلیل که به فرد اجازه می‌دهد در افکار، ترس‌ها، و احساسات افراد دیگری که حوادث فاجعه بار را تجربه کرده‌اند مشارکت کند، مفید باشد.

تجهیزات کوهستانی به روز نیست

امدادگران کوهستان هم مثل دیگر امدادگران جمعیت، بدون هیچ چشم‌داشت عاشقانه به دل حادثه می‌زنند تا فقط جان مصدوم را نجات دهند. اما همیشه یک نگرانی بزرگ با امدادگران کوهستان همراه است. اینکه در عملیات‌های کوهستان همیشه با کمبود تجهیزات مخصوص روبرو هستند. به عنوان مثال بسیاری از امدادگران کوهستان از تجهیزات شخصی خودشان استفاده می‌کنند. علاوه بر تامین این تجهیزات، از مسئولان امداد کشور می‌خواهیم که تجهیزات به‌روزتر و بیشتری در دسترس امدادگران قرار دهند.

محسن غفری، امدادگر استان

کهنکلیویه و بویراحمد

یاسخ:

در سال ۹۶ نیز تجهیزات انفرادی به صورت متمرکز خریداری و به نجاتگران تحویل داده شده است که به دلیل تعداد بالای نجاتگران کوهستان و تعداد پایگاه ها برنامه ریزی برای تامین دیگر اقلام در دستور کار قرار دارد.

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر



امدادگران باتجربه را استخدام کنید

عشق به امدادرسانی و خدمت به مردم تنها هدفی است که همه امدادگران را وارد جمعیت هلال‌احمر کرده است. اما امدادگران هم مثل دیگر اقشار جامعه با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. اگر از همه امدادگران درباره مشکلات و درخواست‌های‌شان بپرسید، مسئله استخدام‌ها و بیمه در اولویت قرار دارد. امیدارم مسئولان حوزه امداد و نجات به این موضوع رسیدگی کنند.

نبی جمشیدی، امدادگر

جمعیت هلال احمر شهرستان

ملکشاهی

یاسخ:

در جمعیت هلال احمر سعی شده تا در کنار نیروهای داوطلب، در هر پایگاه حداقل ۲ نفر نیروی کادر و ثابت حضور داشته باشند که در رابطه با همین موضوع، طی چندین مورد آزمون استخدامی نسبت به جذب تعدادی نجاتگر کادر از میان داوطلبان اقدام شده و امیدواریم در آینده نیز با جذب نیرو تعداد پایگاه ها تکمیل شوند.

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان

امداد و نجات هلال احمر



بانوان هم برای امدادرسانی آماده‌اند

بانوان هلالی هم دوره‌های کمک‌های اولیه و دوره‌های تخصصی امداد و نجات را می‌گذرانند و برای پوشش هر نوع حادثه‌ای آمادگی کامل دارند. اما متأسفانه از آنها در عملیات‌های امداد و نجات استفاده نمی‌شود، من به نمایندگی از همه بانوان جمعیت، از مسئولان می‌خواهم به این درخواست بانوان امدادگر توجه کنند تا شرایط برای حضور آنها در عملیات‌های امدادی مهیا شود.

زهر دشتی، هلال‌احمر نیشابور

به خوبی پوشش دهیم. بنابراین حفظ داوطلبان باید یکی از اولویت‌های اصلی مسئولان جمعیت باشد.

شعبانزاده، نجاتگر دوم

شهرستان رشت استان گیلان



شعار هر خانواده

یک امدادگر را عملی کنیم

شعار هر خانواده یک امدادگر نباید فقط به معنای وجود فردی آموزش دیده در برخورد با اثرات حوادث و بلایا، مثل کنترل خونریزی و پانسمان بانداژ ... باشد؛ بلکه باید یک حرکت عظیم برای ایجاد فرهنگ ایمنی در خانوارهای ایرانی تلقی شود. برای تحقق این شعار باید فرهنگ سازی شود. بنابراین حرکت به سمت عملی کردن این شعار امری دست یافتنی است که در مرحله اول نیاز به یک حرکت همه جانبه و انسجام در داخل جمعیت هـلال احمر و در مرحله بعد همراهی دیگر نهادهای فرهنگی و البته مدیریت بحران دارد.

سینا حسنی

امدادگر شهرستان بیرجند



طرح دادرس را جدی بگیریم

طرح دادرس در نوک پیکان طرح «هر خانواده یک امدادگر» قرار دارد. با توجه به گستردگی و تاثیر پذیری طیف سنی جامعه هدف، طرح دادرس یکی از نمونه‌های موفق فعالیت‌های جمعیت برای شعار هر خانواده یک امدادگراست. بنابراین لازم است به بیشتر از قبل طرح دادرس را جدی بگیریم تا در آینده نزدیک در هر خانواده یک امدادگر داشته باشیم.

سمانه کارگشا، امدادگر

شهرستان بیرجند



برای بانوان دوره تخصصی امداد برگزار کنید

در حوزه فعالیت بانوان در امداد و نجات دو پیشنهاد دارم. نخست اینکه برای بانوان علاقمند به حضور در فعالیت‌های امدادی، دوره‌های تخصصی امداد و نجات و به ویژه دوره پیش‌بیمارستانی در شهرستان برگزار شود. همچنین بیشتر بانوان امدادگر علاقه دارند در ساعات اداری به عنوان اپراتور کشیک در مرکز پیام حضور داشته باشند. این کار نه تنها باعث ایجاد انگیزه مضاعف و افزایش روحیه بانوان امدادگر و نجاتگر می‌شود، بلکه ارتباط زمینه را برای افزایش کارآمدی بانوان در عملیات‌ها مهیا می‌کند.

زهر ا دهقانی

امدادگر استان کرمان



زرنه، پایگاه امداد جاده‌ای ثابت ندارد

به نمایندگی از همه نجاتگران شهرستان زرنه از مجموعه جمعیت هلال احمر این شهر می‌خواهم با توجه به موقعیت این شهرستان که در شاهراه ارتباطی بین استان‌های مختلف قرار دارد، به فکر ساخت پایگاه ثابت امداد و نجات جاده‌ای در این شهرستان باشند. اکنون نبود پایگاه ثابت امداد جاده ای در زرنه نقطه ضعفی بزرگ برای امداد و نجات شهرستان و استان است.

محمدرضا محمدآبادی

استان کرمان

جمعیت هلال احمر همکاری می کنند ۲ نوع بیمه آنها را زیر پوشش قرار می دهد. نخست بیمه مسئولیت جمعیت در قبال نجاتگران است که هر نوع خسارت بدنی، نقص عضو، هزینه درمان و یا فوت نجاتگران را پرداخت می کند. و نوع دوم، بیمه مسئولیت مدنی در قبال اشخاص ثالث است که اگر در هنگام عملیات، نجاتگری به فرد دیگری از جمله امدادگر همکار، تماشاچیان در صحنه و فرد آسیب دیده و اموال خسارت وارد کند، زیر پوشش بیمه قرار دارد.

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان

امداد و نجات هلال احمر



به امدادگران انگیزه بدهید

درست است که امدادگران بدون هیچ مزد و منت در حوادث و سوانح مختلف، پای کار هستند اما آنها هم نیاز به تقویت روحیه و انگیزه دارند. اگر امدادگران روحیه بالاتری داشته باشند، مسلماً نتیجه عملیات‌ها هم بهتر خواهد شد. بنابراین از مسئولان می‌خواهم با توجه به همه سختی‌ها و مشقت‌هایی که امدادگران در حوادث تحمل می‌کنند، تسهیلات و امکانات رفاهی بیشتری در اختیار امدادگران و خانواده‌های‌شان قرار دهند تا هم انگیزه بیشتری برای ماندن در جمعیت پیدا کنند و هم با روحیه بالاتر به حوادث اعزام شوند.

جواد کریمی امین

نجاتگر یکم جمعیت هلال احمر

شهرستان لاهیجان



تکریم داوطلبان را فراموش نکنید

بر کسی پوشیده نیست که تجلیل و قدردانی از زحمات نیروهای کار می‌تواند باعث تقویت روحیه و انگیزه آنها شده و بازدهی‌شان را بیشتر کند. نیروهای هلال‌احمر هم چیزی نمی‌خواهند جز تکریم‌شان به عنوان یک داوطلب. به عنوان مثال اگر شعبه‌های شهرستان‌ها و یا استان، به صورت مستمر تجلیل از امدادگران و داوطلبان برتر و زحمتکش را در دستور کار قرار دهند، نتایج بهتری خواهند گرفت.

نسترن جمالی داوطلب

شهرستان شفت استان گیلان



هر کسی خودش را مسئول بداند

چه بد انسانهایی هستند که حاصل زحمات خود را با دستان خود به آتش می کشند. بیایید سال‌ها اعتماد اجتماعی هلال احمر را به آتش نکشیم. هر کسی در هر جایگاهی که قرار دارد باید خود را نسبت به جمعیت هلال‌احمر و شعارهای بشردوستانه‌اش مسئول بداند. این مسئولیت بسیار سنگین است. چرا که اعتماد مردم به این نهاد عام‌المنفعه بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی آن است که در وقایع و حوادث مختلف نقش مهمی در امدادرسانی دارد.

محبوبه سلیمانی، داوطلب هلال احمر شهرستان سیاهکل



حفظ داوطلبان در اولویت

داوطلبان جمعیت، همان افرادی که بدون منت و با عشق و علاقه با هلال‌احمر همراه شده‌اند، سرمایه‌های اصلی هلال هستند. توجه کنیم که کشور ما کشوری حادثه خیز است و بدون همراهی داوطلبان نمی‌توانیم همه حوادث را

برگزاری کلاس‌های پیش بیمارستانی برای امدادگران را هم در اولویت قرار دهند تا امدادگران با آمادگی کامل در صحنه حوادث حاضر شوند.

یکی از امدادگر استان بوشهر

یاسخ:

با توجه به اینکه برگزاری دوره‌های پیش‌بیمارستانی و تسلط امدادگران به این حوزه می‌تواند در کیفیت امدادسانی موثر باشد، برنامه‌ریزی‌های لازم برای برگزاری ۱۰ دوره تخصصی آموزش‌های پیش‌بیمارستانی در دی و بهمن امسال در استان بوشهر انجام شده است. تا کنون چند دوره از این کلاس‌ها نیز برای امدادگران برگزار شده که خوشبختانه با استقبال خوب آنها نیز روبروه شده است. این آموزش‌ها به صورت ویژه برای امدادگران پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای استان برگزار می‌شود.

علی یوسفی‌نیا، معاون امداد و

نجات استان بوشهر



سرباز جسور و مرد امداد

در حادثه یا وقایع طبیعی/یک عده بدون هیچ منت آغازگر تلاش و امداد/سرمایه افتخار و عزت جان بر کف و استوارچون مرد/با مردم داغ دیده همدرد از-جان و توان بکار گیرند/در آتش و دود گرم یا سرد سرباز جسور و مرد امداد/ هر حادثه می‌رسد به فریاد او رساند امداد در عمق هزار فرسوخ آب/طوفان و تگرگ و گاه گرداب فرقی نکند کجای میهن/در روز و یا به گاه مهتاب این قصه که گفتمت برادر/هرگز نرسد به سطر آخر این شعر زیبا را از طریق نشریه شما به همه امدادگران فذاکار کشورم تقدیم می‌کنم. از اینکه درد و دل ما را به گوش مسئولان می‌رسانید متشکرم.

محسن عاشوری

نجاتگر دوم رشت

یاسخ:

ما هم از همراهی صمیمانه شما با نشریه پیام هلال قدردانی می‌کنیم.



دفترچه بیمه خدمات درمانی نداریم

امدادگران از عاشق‌ترین مردمان روی زمین هستند. همه آنها با عشق و علاقه مثال‌زدنی به خدمت و نجات جان انسان‌ها لباس سرخ امداد را به تن کرده‌اند. اما واقعیت این است که آنها هم با توجه به مشکلات اقتصادی این روزها، نیاز به حمایت بیشتر از سوی مسئولان دارند. اکنون نداشتن دفترچه بیمه درمانی به یکی از دغدغه‌های اصلی نجاتگران پایگاه‌های امدادی تبدیل شده‌است. اگر این امکان وجود داشته که نجاتگران، دفترچه بیمه خدمات درمانی دریافت می‌کردند، بسیاری از مشکلات‌شان حل می‌شد.

امیرحسین ره، نجات‌گر یک

شهرستان رضوانشهر استان گیلان

یاسخ:

همه امدادگران و نجاتگرانی که با



کانون‌های طلاب را تجهیز کنید

طلاب داوطلب جمعیت هلال‌احمر، در حوادث و بلایای مختلف از جمله حادثه اخیر سیل در استان‌های کشور، ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را به خوبی نشان داده‌اند. به عنوان مثل طلاب گلستانی، در تخلیه آب از منازل، ساختن سد در ورودی شهرهای سیل‌زده، توزیع کمک‌های مردمی و... شانه به شانه امدادگران و دیگر نهادهای امدادی تلاش کرده‌اند. با این وجود، هنوز امکانات اولیه برخی کانون‌های طلاب در استان ما تامین نشده و همین موضوع می‌تواند باعث ضعیف شدن همکاری طلاب با جمعیت شود. از مسئولان می‌خواهیم تجهیز کانون‌های طلاب در حوزه‌های علمیه را در دستور کار قرار دهند.

یاسخ:

سال گذشته پس از تفاهم‌نامه‌ای که توسط دفتر نمایندگی ولی فقیه‌هلال‌احمر با حوزه‌های علمیه بسته شد، شرایط برای ارتباط موثرتر با حوزه‌های علمیه و افزایش تعداد کانون‌های طلاب در استان مهیا شد. یکی از اهداف اصلی ما از تشکیل کانون‌ها حضور فعال طلاب در بحث آموزش مباحث امدادی در مساجد روستاهاست. اگرچه این کار به صورت موردی توسط برخی طلاب داوطلب انجام می شود اما در تلاش هستیم در صورت تامین بوجه لازم، کانون‌های طلاب تجهیز شده و شرایط برای تحقق این موارد و همکاری بیشتر طلاب مهیا شد.»

سیدمحمد کمالی نیا، مسئول کانون‌های طلاب و روستایی استان گلستان



مسابقات توان‌افزایی متناسب با اقلیم شهر

آمادگی امدادگران باید در برنامه‌های هلال جدی گرفته شود. چرا که اگر امدادگران آماده باشند، هلال‌احمر در ماموریت‌هایش موفق‌تر خواهد بود. از مهمترین برنامه‌هایی که باعث آمادگی بیشتر امدادگران می‌شود، برگزاری

امدادگران به کمک در راه ماندگان در برف و کولاک رفتند

نبرد با عنوان سفید

سوز سرمای گردنه های برف گیر هم مانع برای امداد رسانی به مصدومان و در راه ماندگان نمی شود. امدادگرانی که به شوق خدمت در سخت ترین شرایط آب و هوایی به دل برف و بوران می زنند تا اقلام امدادی و بسته های غذایی را به دست در راه ماندگان در برف و کولاک برسانند. برای خودروهای گرفتار در برف زنجیر چرخ می بندد، مصدومان و بیماران را از گردنه های برف گیر به مراکز درمانی انتقال می دهند و برای اسکان اضطراری در راه ماندگان سوز سرمای زمستان را به جان می خرنند. در ادامه تصاویر گوشه ای از خدمات دلسوزانه امدادگران در برف و کولاک اخیر را مشاهده می کنید.



❧ برف و کولاک، راه های ارتباطی برخی روستاهای استان گیلان را مسدود کرد. بالگردهای جمعیت با حمل اقلام امدادی و انتقال مصدومان و بیماران به مراکز درمانی مناطق متاثر از برف و کولاک را پوشش دادند.



❧ با مسدود شدن راه های ارتباطی، بالگردهای جمعیت علاوه بر انتقال بسته های غذایی و اقلام امدادی به روستاها، مسئولیت انتقال بیماران و مصدومان به مراکز درمانی را هم برعهده گرفتند.



❧ امداد رسانی به در راه ماندگان، حتی در سخت ترین شرایط آب و هوایی هم ادامه دارد. امدادگران در سرمای سوزناک گردنه های برف گیر، برای خودروهایی که در برف مانده اند زنجیر چرخ می بندند.



❧ با مسدود شدن راه های در استان های متاثر از برف و کولاک، امدادگران سراغ خودروهای در راه مانده رفته و با باز کردن مسیر شرایط را برای عبور خودروها فراهم می کنند.



❧ خودروهای بسیاری در راه های اصلی به ویژه در محور امامزاده هاشم به رشت در استان گیلان، ساعت ها در جاده گرفتار شدند. امدادگران با رساندن اقلام و بسته های مواد غذایی افراد در راه مانده را یاری می کنند



❧ همزمان با فعالیت تیم های عملیاتی در جاده ها، امدادگران در انبارهای هلال احمر نیز اقلام امدادی را برای توزیع در مناطق متاثر از برف و کولاک آماده می کنند.